

■ عَيْنُ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ فِي أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (۱ - ۱۰):

۱) «يَا أَيُّهَا النَّاسُ: إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا...»: هان ای مردم

- ۱) همانا ما شما را از یک نر و یک ماده آفریدیم و شما را ملّت‌ها و قبایل قرار دادیم تا با یکدیگر آشنایی یابید...
- ۲) شما را قطعاً به شکل نر و ماده آفریده‌ایم و ملّت‌ها و قبایل را در شما قرار دادیم باشد که با هم انس بگیرید...
- ۳) شما را بدون شک به صورت مذکر و مؤنث آفریده‌ایم و شعبه‌ها و عشیره‌ها از شما قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید...
- ۴) قطعاً ما شما را از یک مرد و یک زن خلق کردیم و به هیئت اقوام و قبیله‌ها پدید آوردیم تا شاید یکدیگر را بشناسید...

۲) «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْجَحَ فِي حَيَاتِهِ فَلْيَجْعَلِ السَّعْيَ صَدِيقَهُ الْحَمِيمَ وَالتَّجَرِبَةَ مُسْتَشَارَهُ الْحَكِيمَ!»:

- ۱) کسی که خواسته است در زندگیش پیروز گردد، تلاش را دوستی گرم و صمیمی و تجربه را مشاوره حکیم برای خود قرار می‌دهد!
- ۲) هر کسی که می‌خواهد در زندگی خود موفق شود باید سعی کردن را دوستی صمیمی و تجربه کردن را مشاوره دانا قرار دهد!
- ۳) آنکه پیروز شدن را در زندگیش خواسته است، دوست صمیمی‌اش را سعی کردن و مشاور دانايش را تجربه قرار می‌دهد!
- ۴) هر کس بخواهد در زندگی خود موفق بشود، باید تلاش را دوست صمیمی و تجربه را مشاور خردمند خویش قرار دهد!

۳) «إِذَا نَعِبَ عَمَلُ أَحَدٍ ثُمَّ نَفَهَمَ أَنَّا كُنَّا مُخْطِئِينَ يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَعْتَذِرَ مِنْهُ مُعْتَرِفِينَ بِذَلِكَ، وَهَذَا دَلِيلٌ عَلَى شَجَاعَتِنَا!»:

- ۱) آن‌گاه که عیب کار کسی را بگیریم و بفهمیم که خودمان خطاکار بودیم، باید اعتراف کرده عذرخواهی کنیم، که این دلیل بر شجاعتمان است!
- ۲) وقتی از کار فردی عیب می‌گیریم سپس می‌فهمیم که خطا کرده بودیم، باید ضمن اعتراف به آن، از او معذرت‌خواهی کنیم، و این دلیلی بر شجاعت ماست!
- ۳) اگر عمل کسی را عیب بدانیم آن‌گاه بفهمیم که خطا کرده‌ایم، بر ما واجب است معذرت‌خواهی کرده اعتراف کنیم، که این دلیلی بر شجاعت ما می‌باشد!
- ۴) هرگاه از عمل کسی عیب‌جویی کنیم آن‌گاه بفهمیم که ما خطاکاریم، حتماً باید به خاطر آن عذرخواهی کنیم درحالی‌که به آن اعتراف‌کننده‌ایم و این دلیلی بر شجاعتمان خواهد بود!

۴) «إِنَّ الْهَمْسَ الَّذِي يَمْنَعُكَ عَنِ التَّعَلُّمِ فِي الصَّفِّ، يَضُرُّكَ ضَرْراً لَا تَنْتَبِهُ إِلَيْهِ إِلَّا فِي نَهَايَةِ السَّنَةِ!»:

- ۱) آهسته سخن گفتنی که تو را از آموزش در کلاس باز دارد، کاملاً به تو ضرری می‌زند که متوجه آن نمی‌شوی مگر در پایان سال!
- ۲) در کلاس درگوشی سخن گفتن، تو را از آموختنی باز می‌دارد که به تو قطعاً ضرر می‌زند و متوجه آن نمی‌شوی مگر در پایان سال!
- ۳) آهسته سخن گفتن در کلاس، تو را از یادگیری باز می‌دارد و به تو ضرر می‌زند به گونه‌ای که فقط در پایان سال متوجهش می‌شوی!
- ۴) پیچ کردنی که تو را از آموختن در کلاس باز دارد، به تو ضرری می‌زند که فقط در پایان سال متوجه آن می‌شوی!

۵) «هناك سبعة نجوم منيرة كمجموعة من الدُّرر بين منات آلاف نجمة أخرى في السماء تُسمى الدُّبُّ الأكبر!»:

- ۱) هفت ستاره نورانی که چون مجموعه‌ای از مروارید در میان صد هزار ستاره دیگر در آسمان هستند، دُب اکبر را تشکیل می‌دهند!
- ۲) هفت ستاره درخشان که چون مجموعه‌ای از مرواریدها در میان صدها و هزاران ستاره دیگر در پهنه آسمانند، دُب اکبر می‌باشند!
- ۳) هفت ستاره درخشان همچون مجموعه‌ای از مروارید در میان صدها هزار ستاره دیگر در آسمان وجود دارد که دُب اکبر نامیده می‌شود!
- ۴) هفت ستاره تابان مجموعه‌ای چون مروارید هستند که در میان صدها هزار ستاره دیگر در پهنه آسمان قرار دارند و دُب اکبر نامیده می‌شود!

۶) «قُوَّةُ هَذَا الْإِعْصَارِ تَسْحَبُ الْأَسْمَاكَ إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ عَلَى بُعْدِ مَائَتِي كِيلُومِتْرٍ مِنَ الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ!»:

- ۱) قدرت این گردباد ماهی‌ها را به مکانی دور، در فاصله دویست کیلومتری از اقیانوس اطلس می‌کشاند!
- ۲) چنین گردبادی با قدرت، ماهی‌ها را به مکان دور، در دویست کیلومتر دورتر از اقیانوس اطلس می‌اندازد!
- ۳) نیروی این طوفان ماهی‌ها را به سوی مکان دور، در دویست کیلومتر آن طرف‌تر از اقیانوس اطلس می‌کشاند!
- ۴) این گردباد با نیروی زیاد، ماهی‌ها را به سمت مکانی دور دست، در فاصله دویست کیلومتری اقیانوس اطلس پرتاب می‌کند!

۷ «عُمر نوع من هذه الأشجار الطويلة العجيبة قد يصل إلى أكثر من خمسمائة سنة!»:

- ۱) یک نوع از این درخت‌های بلند، عمرش شگفت‌انگیز است، گاهی به بیش از پانصد سال می‌رسد!
- ۲) یک نوع از این درخت‌های بلند شگفت‌انگیز، عمرشان قطعاً بیشتر از پانصد سال است!
- ۳) عمر نوعی از این درختان که بلند و عجیب هستند قطعاً بیشتر از پانصد سال است!
- ۴) عمر نوعی از این درختان بلند عجیب گاهی به بیش از پانصد سال می‌رسد!

۸ عَيْنُ الصَّحِيح:

- ۱) لَنْ تَكُونَ الْحَيَاءُ دُونَ نَقْصٍ وَلَكِنَّهَا جَمِيلَةٌ دَائِمًا: زندگی را هرگز بدون نقص نخواهی یافت ولی همیشه زیباست!
- ۲) ذَهَبْنَا إِلَى غَابَةٍ وَرَأَيْنَا هُنَاكَ آيَاتِ رَبِّنَا الْكِبَرَى: به جنگلی رفتیم و در آنجا نشانه‌های پروردگار بزرگمان را دیدیم!
- ۳) طَوَّبَى لِمَنِ يَجْتَنِبُ الْكَذِبَ وَ إِن كَانَ لِلْمَزَاحِ: خوشا به حال کسی که از دروغ گفتن دوری می‌کند، اگرچه برای مزاح باشد!
- ۴) إِنَّ الْعَيْنَ لَا تَدُورُ فِي أَتَجَاهِينَ إِلَّا فِي بَعْضِ الْحَيَوَانَاتِ كَالْحِرْبَاءِ: چشم بعضی حیوانات مثل حرباء در دو جهت مختلف می‌چرخد!

۹ عَيْنُ الْخَطَأ:

- ۱) تُعِينُنِي الْمَعْلَمَةُ فِي الدَّرُوسِ الصَّعْبَةِ إِعَانَةً: معلم مرا در درس‌های مشکل بدون شک یاری می‌کند!
- ۲) إِنَّ الْعُلُومَ النَّافِعَةَ تُثِيرُ عَقْلَ الْإِنْسَانِ وَ قَلْبَهُ: قطعاً علوم سودمند عقل انسان و قلبش را روشن می‌کند!
- ۳) سَيِّمَ اللَّهُ جَمِيعَ نَوَاحِي الْأَرْضِ سَلَامًا شَامِلًا: خداوند همه نواحی زمین را از صلحی فراگیر پر خواهد کرد!
- ۴) رَبَّنَا هُوَ الَّذِي يَحْمِينَا مِنْ شُرُورِ الْحَادِثَاتِ دَائِمًا: خدای ما کسی است که در پیشامدهای بد همواره نگهدار ماست!

۱۰ «یک ساعت تفکر بهتر از هفتاد سال عبادت است!»، عَيْنُ الصَّحِيح:

- ۱) تَفَكَّرَ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً!
- ۲) السَّاعَةُ فِي التَّفَكُّرِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ سَنَةً الْعِبَادَاتِ!
- ۳) التَّفَكُّرُ فِي السَّاعَةِ خَيْرٌ مِنَ الْعِبَادَةِ مِنْ سَبْعِينَ السَّنَةِ!
- ۴) سَاعَةٌ وَاحِدَةٌ مِنَ التَّفَكُّرَاتِ أَفْضَلُ مِنْ سَنَةِ سَبْعِينَ مِنَ الْعِبَادَاتِ!

■ إقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة (۱۱ - ۱۴) بما يناسب النص:

يُعَدُّ (يُتَبَرَّكُ) صَيْدُ الْأَسْمَاكِ مِنْ أَكْثَرِ الْمِهْنِ الَّتِي يَشْتَغِلُ بِهَا الْإِنْسَانُ لِيَدِيرَ عَيْشَهُ خَاصَّةً فِي الْمَنَاطِقِ السَّاحِلِيَّةِ أَوْ الْمَنَاطِقِ الْمُحَاطَةِ بِالْبَحِيرَاتِ وَ الْأَنْهَارِ، بَحِيثٌ تُشَكِّلُ لِحُومِ الْأَسْمَاكِ وَاحِدَةً مِنْ أَهَمِّ مَصَادِرِ الْغِذَاءِ الَّتِي يَسْتَفِيدُ مِنْهَا الْإِنْسَانُ فِي الْعَالَمِ. كَمَا كَانَتْ الْأَسْمَاكُ مَصْدَرًا غِذَائِيًّا مُهِمًّا لِلْإِنْسَانِ فِي الْعَصُورِ الْقَدِيمَةِ، وَ قَدْ وَجِدَتْ الْكُنُوزُ مِنَ النَّقُوشِ الْحَجَرِيَّةِ الْقَدِيمَةِ لِعَصْرِ الْفَرَاعْنَةِ الَّتِي تَدُلُّ عَلَى صَيْدِهِمِ الْأَسْمَاكَ وَ طَرِيقَةَ قِيَامِهِمْ بِهِ تَغْذِيهِمْ عَلَيْهَا، إِضَافَةً إِلَى هَذَا لَمْ يَجِدِ الْإِنْسَانُ صُعُوبَةً فِي الْحَصُولِ عَلَيْهَا!

تَحَوَّلَتْ مِهْنَةُ صَيْدِ الْأَسْمَاكِ إِلَى رِيَاضَةٍ مَحْبُوبَةٍ لَدَى الْعَدِيدِ مِنَ النَّاسِ حَيْثُ يَبْلُغُ مَنْ يُمَارِسُهَا خَوَالِي مِلْيَيْنٍ مِنَ النَّاسِ. فَهُنَاكَ بَعْضُ النَّاسِ حِينَ يَذْهَبُونَ إِلَى الْمَنَاطِقِ الَّتِي تُوجَدُ فِيهَا هَذِهِ الْإِمْكَانِيَّةُ يَشْتَغِلُونَ بِالصَّيْدِ لَكِنَّهُ بَوَسَائِلَ بَسِيطَةٍ؛ وَ تَحَوَّلَتْ طُرُقُ الصَّيْدِ عَلَى مَرِّ الزَّمَانِ وَ تَعَدَّدَتْ الطَّرُقُ الْمُسْتَعْمَلَةُ فِي صَيْدِ الْأَسْمَاكِ!

۱۱ عَيْنُ الصَّحِيح: النَّقُوشُ الْحَجَرِيَّةُ الْقَدِيمَةُ تَدُلُّ عَلَى أَنَّ

- ۱) النَّاسُ كَانُوا يَتِمَتُّونَ أَنْ يَرَفَعُوا مَشْكَلَةَ جَوْعِهِمْ!
- ۲) صَيْدُ الْأَسْمَاكِ كَانَ مِهْنَةً حَدِيثَةً لَا تَتَعَلَّمُهَا مِنْ أَجْدَادِنَا!
- ۳) مَرُورُ الزَّمَانِ قَدْ سَبَّبَ تَحَوُّلاً فِي كَيْفِيَّةِ صَيْدِ الْأَسْمَاكِ!
- ۴) مَصْدَرًا غِذَائِيًّا وَحِيدًا وَ مُهِمًّا مِنَ الْقَدِيمِ كَانَ لَحْمُ الْأَسْمَاكِ!

۱۲ عَيْنُ الْخَطَأ: لِمَاذَا كَانَ صَيْدُ الْأَسْمَاكِ مِنْ أَهَمِّ الْمِهْنِ مِنْ قَدِيمِ الزَّمَانِ لِلْإِنْسَانِ؟

- ۱) لِأَنَّ السَّمَكَ كَانَ ثَرَوَةً طَبِيعِيَّةً يَجِدُهَا النَّاسُ فِي الطَّبِيعَةِ!
- ۲) لِأَنَّهُمْ كَانُوا يَمْلَأُونَ سَاعَاتِ فَرَغِهِمْ بِالِاشْتَغَالِ بِهَذَا الْعَمَلِ!
- ۳) لِأَنَّهُ كَانَ سَهْلًا لِلْإِنْسَانِ أَنْ يَحْصَلَ عَلَيْهِ لِيَرْفَعَ حَوَائِجَهُ بِهِ!
- ۴) لِأَنَّ صَيْدَ الْأَسْمَاكِ لَا يَسُدُّ جَوْعَهُ فَقَطْ بَلْ يُسَاعِدُهُ عَلَى إِدَارَةِ حَيَاتِهِ!

۱۳ عَيْنُ الْخَطَأ: مَضَى الزَّمَانُ عَلَّمَ النَّاسَ

- ۱) السَّبِيلَ الْمَخْتَلَفَةَ لَصَيْدِ الْأَسْمَاكِ!
- ۲) كَيْفِيَّةَ اسْتِخْدَامِ صَيْدِ الْأَسْمَاكِ كَرِيَاضَةً!
- ۳) كَيْفَ يَشْتَغِلُونَ بِالصَّيْدِ بِالْوَسَائِلِ الْبَسِيطَةِ!
- ۴) أَنَّ لَحْمَ الْأَسْمَاكِ هُوَ فِي كُلِّ مَكَانٍ أَفْضَلُ مَصْدَرٍ لْغِذَائِهِمْ!

۱۴ أَذْكَرُ مَا لَمْ يَأْتِ فِي النَّصِّ:

- ۱) الصَّيَّادُونَ غَيَّرُوا أَسْلُوبَ عَمَلِهِمْ عَلَى مَرِّ الزَّمَانِ!
- ۲) هُنَاكَ طَرُقٌ كَثِيرَةٌ لِلصَّيْدِ يَعْرِفُهَا النَّاسُ كُلُّهَا مِنَ الْقَدِيمِ!
- ۳) بَعْضُ النَّاسِ يَمْلَأُونَ سَاعَاتِ فَرَغِهِمْ بِالْقِيَامِ بِصَيْدِ السَّمَكِ!
- ۴) لَمْ يَكُنْ يَسْتَفِيدُ النَّاسُ مِنَ الْوَسَائِلِ الثَّقِيلَةِ وَ الْحَدِيثَةِ لِلصَّيْدِ!

■ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ (١٥ - ١٧):

١٥ «يَشْتَغِلُ»:

- (١) مضارع - للغائب - حروفه الأصلية ثلاثة، و مصدره «اشتغال» / فعل و فاعله «الإنسان»
 (٢) فعل مضارع - للغائب - له ثلاثة حروف أصلية و حرفان زائدان (= مزيد ثلاثي) / فعل و فاعله محذوف
 (٣) مضارع - مادته أو حروفه الأصلية «ش غ ل» و مصدره على وزن «انفعال» / فعل و فاعله «الإنسان»
 (٤) فعل مضارع - حروفه الأصلية ثلاثة، و له ثلاثة حروف زائدة / فعل و فاعله «الإنسان» و الجملة فعلية

١٦ «تُشَكِّلُ»:

- (١) فعل مضارع - للمفرد المؤنث الغائب (أي للغائبة) / فعل و فاعله «لحوم» و الجملة فعلية
 (٢) مضارع - للغائبة - ماضيه (تُشَكِّلُ) و مصدره «تَشَكَّلَ» على وزن تَفَعَّلَ / فاعله «لحوم»
 (٣) مضارع - للمخاطب - حروفه الأصلية «ش ك ل» و مصدره «تشكيل» على وزن «تفعيل» / مع فاعله جملة فعلية
 (٤) فعل مضارع - للمؤنث - له ثلاثة حروف أصلية و حرف واحد زائد (= مزيد ثلاثي) / فاعله «الأسماك» و الجملة فعلية

١٧ «مُضَادِرُ»:

- (١) اسم - جمع مكسّر أو تكسير (مفردة «مصدر» مذكر) / مضاف إليه، و المضاف: «أهم»
 (٢) جمع مكسّر - اسم مكان (فعله «صدر» و مصدره «تصدير») / مضاف، و المضاف إليه: «الغذاء»
 (٣) جمع تكسير - اسم مكان (على وزن «مفعّل» من فعل ثلاثي) / مضاف إليه، و المضاف: «الغذاء»
 (٤) اسم - جمع مكسّر (مفردة «مصدر» مذكر) - اسم مفعول (مأخوذ من فعل «صدر») / مضاف إليه و مضاف

■ عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ (١٨ - ٢٥):

١٨ عَيْنُ الْخَطَأِ فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْحُرُوفِ:

- (١) ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ!
 (٢) عَالِمٌ يُنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ!
 (٣) تُؤْذِي الدَّلَافِينَ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلَامِ!
 (٤) الشَّجَرَةُ الْخَائِفَةُ شَجَرَةٌ تَنْمُو فِي بَعْضِ الْغَابَاتِ الْأُسْتَوَاتِيَّةِ!

١٩ عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (١) الْعُلَمَاءُ: هُمُ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ لِرَاحَةِ النَّاسِ!
 (٢) الْحَنِيفُ: هُوَ الَّذِي لَا يَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ الْوَاحِدَ!
 (٣) الْبُحَيْرَةُ: يَدْخُلُ مَاءُ الْأَنْهَارِ فِيهَا وَ هِيَ أَكْبَرُ مِنَ الْبَحْرِ!
 (٤) يَوْمُ الْخَمِيسِ: الْيَوْمُ السَّادِسُ مِنَ الْأَسْبُوعِ وَ قَبْلَهُ يَوْمُ الْجُمُعَةِ!

٢٠ عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: «نَجَحَ سَعِيدٌ فِي الْمَسَابَقَةِ وَ حَصَلَ عَلَى الْجَائِزَةِ الْذَهَبِيَّةِ، فَهُوَ الْفَائِزُ»:

- (١) الأحد (٢) الأول (٣) الواحد (٤) الأولى

٢١ عَيْنُ مَا فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ مَعًا:

- (١) إِنَّ بَعْضَ الْمُتَاجِرِ مَفْتُوحٌ إِلَى نَهَايَةِ اللَّيْلِ!
 (٢) رَأَيْتُ مَكْتَبَةً فِي مَدِينَتِنَا كَانَتْ مِنْ أَكْبَرِ مَكَاتِبِ الْعَالَمِ!
 (٣) تُحِبُّ أَنْ نَشْتَرِيَ مَا نُرِيدُهُ بِثَمَنٍ أَرْخَصَ وَ نَوْعِيَّةٍ أَعْلَى!
 (٤) يَجِبُ أَنْ يَكُونَ لَوْنُ جِدَارِ الْمَطَابَخِ خَاصَّةً فِي الْأَمَاكِنِ الْعَامَّةِ أَبْيَضَ!

٢٢ عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ «نُونُ الْوَقَايَةِ»:

- (١) يُسَاعِدُنِي كَلَامُ صَدِيقِي لِإِصْلَاحِ نَفْسِي!
 (٢) أَقُولُ لَزَمِيلِي أَعِنِّي فِي حَلِّ هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ!
 (٣) يَتِمَّنِي أَخِي أَنْ يَصِلَ إِلَى الْمَرَاكِلِ الْعَالِيَةِ فِي الْعِلْمِ!
 (٤) أَعَانِي صَدِيقِي فِي تَعَلُّمِ دُرُوسِي الصَّعْبَةِ فَشَكَرْتُهُ كَثِيرًا!

٢٣ عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغَيْنِ:

- ذَهَبْتُ مَعَ أَحَدِ عَشَرَ زَمِيلًا مِنْ زَمَلَائِي إِلَى الْمَكْتَبَةِ فِي السَّاعَةِ السَّابِعَةِ صَبَاحًا، رَجَعْنَا مِنْ زَمِيلَانِ اثْنَانِ وَ لَكُنَّا بَقِيْنَا خَمْسَ سَاعَاتٍ هُنَاكَ. عِنْدَ
 الرُّجُوعِ كَانَ عِدَدُنَا أَشْخَاصَ وَ كَانَتِ السَّاعَةُ
 (١) عشرة - ثاني عشر! (٢) تسعة - ثاني عشر! (٣) عشرة - الثانية عشرة! (٤) تسعة - الثانية عشرة!

٢٤ عَيْنُ مَا فِيهِ الْحَالُ:

- (١) إِنَّ شَجَرَةَ الْخَبْزِ شَجَرَةٌ عَجِيبَةٌ وَ تَحْمِلُ الْأَثْمَارَ فِي نَهَايَةِ الْأَغْصَانِ!
 (٢) رَأَيْتُ شَجَرَةَ الْخَبْزِ وَ هِيَ تَحْمِلُ أَثْمَارَهَا فِي نَهَايَةِ أَغْصَانِهَا!
 (٣) رَأَيْتُ شَجَرَةَ الْخَبْزِ الَّتِي تَحْمِلُ الْأَثْمَارَ فِي نَهَايَةِ الْأَغْصَانِ!
 (٤) شَجَرَةُ الْخَبْزِ شَجَرَةٌ تَحْمِلُ أَثْمَارَهَا فِي نَهَايَةِ أَغْصَانِهَا!

٢٥ عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ مَفْهُومُ الْحَصْرِ:

- (١) لَا نَأْخُذُ إِلَى مَوْقِفِ التَّصْلِيحِ إِلَّا السَّيَّارَةَ الْمَعْطَلَةَ!
 (٢) لَا يَسْتَرِ النَّاسُ إِلَّا مَا يَخَافُونَ مِنْ عَوَاقِبِ جَهَرِهِ!
 (٣) يَتَنَاوَلُ هَذَا الْمَرِيضُ أَنْوَاعَ الْفَوَاكِهِ إِلَّا التَّفَاحَ!
 (٤) لَمْ تَكُنِ السَّلَامَةُ إِلَّا بِالذَّهْنِ السَّلِيمِ!

■ عَيْنُ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (۱ - ۱۰):

۱) (قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ...): بگو ای اهل کتاب

- ۱) به سمت سخنی یکسان بین ما و خودتان بیایید که، به جز خداوند را نپرستیم...
- ۲) به سوی سخنی بیایید که بین ما و شما یکسان بوده است و فقط الله را بپرستیم...
- ۳) به سوی کلمه‌ای بشتابید که بین شما و ما برابر بوده است و بغیر از الله را نپرستیم...
- ۴) به سمت کلمه‌ای یکسان بشتابید که بین ما باشد، و اینکه فقط خداوند را بپرستیم...

۲) «علینا أن نحترم الأديانَ الإلهيةَ و أن نتعایش مع المعتقدين بها تعایشاً سَلْمِيّاً»:

- ۱) بر ما است به دین‌های خدایی احترام گذاریم و با کسانی که به خدا اعتقاد دارند با مسالمت زندگی کنیم!
- ۲) بر ما است که به ادیان الهی احترام بگذاریم و با معتقدین به آن‌ها زندگی مُسالمت‌آمیزی داشته باشیم!
- ۳) بر ما واجب است که به ادیان خدایی احترام کنیم و با کسانی که معتقد هستند با مسالمت زندگی کنیم!
- ۴) بر ما لازم است دین‌های الهی را محترم شمرده با معتقدان به آن زندگی سالمی را داشته باشیم!

۳) «الْفُشْلُ تَحْمَلُهُ صَعْبٌ وَلَكِنَّهُ يَخْلُقُ لَكَ فُرْصاً سَتُسْتَفِيدُ مِنْهَا لِلنَّجَاحِ»:

- ۱) تحمل شکست دشوار است ولی شکست برای تو فرصتی را می‌آفریند که از آن در پیروزی استفاده می‌کنی!
- ۲) پذیرش شکست سخت است لکن موقعیت‌هایی برای تو خلق می‌شود که از آن برای پیروز شدن استفاده می‌کنی!
- ۳) شکست خوردن و پذیرش آن دشوار است اما موقعیت‌هایی که برای تو خلق می‌کند، از آن‌ها در پیروزی استفاده خواهی کرد!
- ۴) شکست تحملش سخت است ولیکن برای تو فرصت‌هایی می‌آفریند که از آن‌ها برای پیروز شدن استفاده خواهی کرد!

۴) «کم شخصاً نعرف أنهم يعملون بما يقولون، فيؤثرون علينا تأثيراً عميقاً لا نجد مثله في الآخرين»:

- ۱) چند شخص را می‌شناسیم که می‌گویند چیزی را که بدان عمل می‌کنند، پس بر ما تأثیر عمیقی می‌گذارند که همانند آن را در دیگران نمی‌یافتیم؟
- ۲) چند شخص را شناخته‌ایم که به چیزی که می‌گویند عمل می‌کنند، و بر ما آن‌چنان تأثیری دارند که در دیگران مثل آن را نیافته‌ایم؟
- ۳) چند نفر را می‌شناسیم که آن‌ها چیزی می‌گویند که عمل می‌کنند، و بر ما آن‌چنان اثری دارند که در افراد دیگر همانندش را نمی‌یابیم؟
- ۴) چند نفر را می‌شناسیم که به آن‌چه می‌گویند عمل می‌کنند، پس بر ما تأثیر عمیقی می‌گذارند که در دیگران مثل آن را نمی‌یابیم؟

۵) «يستطيع الناس أن يقرؤوا من الكتب ما يحبونها، إلا من ليس لهم فكرٌ قادر على تمييز المسائل»:

- ۱) از کتاب‌ها هرچه دوست می‌دارند بخوانند، جز کسانی که توانایی برای تشخیص امور ندارند!
- ۲) بخوانند هر آن‌چه را از کتاب‌ها که دوست دارند، مگر آنکه قدرت جدا کردن امور را نداشته باشند!
- ۳) از کتاب‌ها آن‌چه را دوست دارند بخوانند، مگر آنان که فکری قادر بر تشخیص مسائل نداشته باشند!
- ۴) کتاب‌هایی را که دوست می‌دارند بخوانند، مگر اینکه نتوانند با فکر و توانایی مسائل را از یکدیگر جدا کنند!

۶) «هذا المعلمُ قد قام بتشكيل فريقين يجتهد لابعبهما فَرَحِينَ سَتَّةَ أَيَّامٍ مِنَ الْأُسْبُوعِ اجْتِهَاداً!»: این معلّم

- ۱) با خوشحالی به تشکیل دو گروهی اقدام نموده که بازیکنان آن‌ها شش روز از هفته را بسیار تلاش می‌کنند!
- ۲) با شادی به شکل دادن دو گروه که بازیکنان آن‌ها شش روز هفته را به سختی تلاش می‌کنند، اقدام می‌نماید!
- ۳) اقدام به تشکیل دو تیم کرده است که بدون شک بازیکنانشان در شش روز از هفته با خوشحالی، تلاش می‌کنند!
- ۴) اقدام به شکل دادن تیم‌هایی کرده که بازیکنانشان با شادی، شش روز هفته را تلاش فراوان می‌نمایند!

۷) «طوبى لمن يُعوّد لسانه على الكلام اللين حتّى لا يخاف الناس منه بل يُقبلون عليه»:

- ۱) خوشا به حال کسی که زبان خود را به کلام نرم عادت دهد تا مردم از او ترسند بلکه به او روی آورند!
- ۲) خرم آن کس که زبان او به سخن لطیف عادت نماید تا زمانی که مردم از او نترسند و او را قبول داشته باشند!
- ۳) خوشا آن کس که زبانش را به کلامی لطیف عادت دهد تا نه تنها مردم از او نترسند بلکه به او روی آورند!
- ۴) خوش به حال آن کسی که زبانش به سخن نرم عادت کند تا اینکه مردم از او نترسند و نیز او را بپذیرند!

٨ عَيْنِ الصَّحِيح:

- (١) التفكّر ساعتين خيرٌ من العبادة ساعاتٍ: مدّت دو ساعت فکر کردن بهتر از ساعتی از عبادت است!
- (٢) العُقلاء لا يَقْفُونَ ما ليس لهم به علمٌ: انسان‌های عاقل بر چیزی که به آن علمی ندارند، توقّف نمی‌کنند!
- (٣) إِنَّ النَّفْسَ الْمُطْمَئِنَّةَ لا تَأْخُذُ اطْمَئِنَّاها إِلَّا من رَبِّها: نفس مطمئنّه آرامش از هیچ کس جز از خدا نمی‌گیرد!
- (٤) بعد أن فَكَّرَ لحظاتٍ وَجَدَ المأمَنَ الَّذِي كان قد لَجَأَ إِلَيْه قبل هذا: بعد از اینکه لحظاتی فکر کرد محلّ امنی را که قبل از این به آن پناه برده بود، یافت!

٩ عَيْنِ الْخَطَأ:

- (١) تجري مياه السَّلَال من الأعلى إلى الأسفل مُتتاليةً: آب‌های آبشار از بالا به پایین پشت سر هم جاری می‌شوند!
- (٢) رائحة ماء المستنقعات كريهة لآتة لا يتحرّك: بوی آب مرداب‌ها ناخوشایند است زیرا حرکت نمی‌کند!
- (٣) لا عَجَبَ في أن نُؤَجِّلَ أعمالنا الحسنة: هیچ تعجّبی نیست که در کارهای خوبمان عجله کنیم.
- (٤) لا يُعْرِقُ في المدح و الذمّ إِلَّا الأحمقُ: فقط احمق در ستودن و مذمت کردن اغراق می‌کند!

١٠ «عالم‌ترین مردم کسی است که علم مردم را بر علم خود افزود!»، عَيْنِ الصَّحِيح:

- (١) أعلم الناس مَنْ جَمَعَ علمَ الناس إلى علمه!
- (٢) أعلم الناس مَنْ قد يجمع على علمه علمَ الناس!
- (٣) أعلم من الناس الَّذي يجمع علمَ الناس إلى علمه!
- (٤) أعلم من الناس هو الَّذي قد جمع إلى علمه علمَ الناس!

■ إقرأ النصّ التالي ثمّ أجب عن الأسئلة (١١ - ١٤) بما يناسب النصّ:

أولّ خطوة (= قدم) في تغيير الحياة هي الاعتناء بالأمر المهمّة و الاهتمام بها. و من جملة هذه الأمور هي معرفة آمالنا و أحلامنا و كذلك الأهداف التي جعلناها لحياتنا و السعي وراء تحسينها. و المهمّ هو أن نعلم أنّ حصول الحياة السعيدة للإنسان بحاجة إلى التأمل في الحياة الأخلاقية و ارتقائها و كذلك الحياة الصحيّة معاً، لأنّ الصّحة لا تبقى دائماً فإنّ البدن يتعرّض لتغيرات جسديّة مختلفة و كذلك روحيّة و عاطفيّة بمرور السنوات! فمن التّوصيات الأكيدة في هذا الجانب هو الاهتمام بتغذية الجسد و الذّهن معاً و ذلك لتشكيل حياة متوازنة تُناسب التغيرات الجسديّة التي تحصل له مع الزمن. و من الجدير بالذّكر أنّ ممارسة التمارين الرياضيّة المفيدة تُساعد الشّخص على حياة أكثر صحّة و سعادة في الجانب الجسدي و الذّهني!

١١ عَيْنِ الصَّحِيح:

- (١) الرّياضات البدنيّة لا تُساعد إلّا الجسم!
- (٢) الصّحة تُستمرّ في الحياة مادام الإنسان يطلبها!
- (٣) التغيرات الجسديّة و الروحيّة و العاطفيّة لا تظهر لنا إلّا بعد زمن قليل جدّاً!
- (٤) من استطاع أن يميّز بين أموره المهمّة و بين غيرها، قام بأول خطوة في تشكيل الحياة السعيدة!

١٢ كيف نغيّر حياتنا للوصول إلى التوازن؟ عَيْنِ الْخَطَأ:

- (١) بالقيام بممارسات رياضيّة تحافظ على صّحة الأبدان!
- (٢) بالتعرّض للتغيرات أمام الأمور و الحوادث و الأشياء!
- (٣) بالاهتمام بالجانب الذّهنيّ و المحاولة لإخراج الرذائل منه!
- (٤) بتغذية البدن بالموادّ اللاّزمة التي تحافظ على سلامة الأبدان!

١٣ ماذا يُعيّننا حين أردنا أن نحصل على السّعادة في الحياة؟ عَيْنِ الصَّحِيح:

- (١) الاهتمام الكثير بالأمر الأخلاقيّة و الصحيّة!
- (٢) قلّة ملاحظتنا إلى مرور الزّمان و تأثيره علينا!
- (٣) الاتّكاء على آمالنا و أحلامنا يضمن لنا كلّ شيء!
- (٤) الصّحة الجسديّة تُغني من كلّ شيء فإنّها تضمن السّعادة!

١٤ عَيْنِ ما هو أنسب لعنوان النصّ:

- (١) الحياة السعيدة
- (٢) الرّياضات المفيدة
- (٣) الحياة الصحيّة و أثرها
- (٤) أثر الصّحة في معرفة الآمال

■ عَيْنِ الصّحیح في الإعراب و التحليل الصرفي (١٥ - ١٧):

١٥ «تعرّض»:

- (١) فعل مضارع - للغائب - ماضيه «تعرّض» و مصدره «تعرّض» من وزن «تفعّل»
- (٢) مضارع - للغائب - حروفه الأصليّة ثلاثة، و مصدره «تعرّض» / فعل و مع فاعله جملة فعلية
- (٣) مضارع - حروفه الأصليّة «ع ر ض» و حروفه الزائدة «ى، ت» و مصدره من وزن «تفعل»
- (٤) فعل مضارع - للمخاطب - له ثلاثة حروف أصلية و حرفان زائدان (= مزيد ثلاثي) / فعل و مع فاعله جملة فعلية

۱۶ «تُساعد»:

- (۱) مضارع - حروفه الأصلية ثلاثة «س ع د» / مع فاعله جملة فعلية، و مفعوله «الشخص»
- (۲) مضارع - للمؤنث - حروف الأصلية «س ا د» و مصدره «مساعدة» من وزن «مفاعلة»
- (۳) فعل مضارع - للمخاطب - له ثلاثة حروف أصلية و حرف زائد و هو الألف / مع فاعله جملة فعلية
- (۴) فعل مضارع - له ثلاثة حروف أصلية و حرفان زائدان / فعل و مع فاعله جملة فعلية، و مفعوله «الشخص»

۱۷ «أول»:

- (۱) اسم - من الأعداد الترتيبية - مفرد مذكر / مبتدأ، و الجملة اسمية
- (۲) اسم - مفرد مذكر - نكرة / مبتدأ و خبره «خطوة» و الجملة اسمية
- (۳) مفرد مذكر - من الأعداد الترتيبية - معرفة / مبتدأ و مع خبره جملة اسمية
- (۴) من الأعداد الأصلية - للمفرد المذكر - نكرة / مبتدأ و مع خبره جملة اسمية

■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۱۸ - ۲۵):

۱۸ عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (۱) استلیم الأدوية في الصيدليّة في نهاية مَمَرِ المُستوصف!
- (۲) للزّرافة صوت يُحدّرُ الحيوانات حتّى تبتعدَ عن الخطر!
- (۳) إنّ الامتحانات تساعدُ طلابَ المدارس ليتعلّم دروسهم!
- (۴) على كلّ الناس أن يتعايشوا مع بعضهم تعايشاً سليماً!

۱۹ عین المناسب للفراغ: يجعل الجوّ لطيفاً و نحن نستفيد منه في الأيام الحارّة!

- (۱) الحاسوب
- (۲) تيار الماء
- (۳) مكيف الهواء
- (۴) تيار الكهرباء

۲۰ عین الخطأ عن علامات «المؤمن»:

- (۱) ورعه ثابت في الخفاء و العلن!
- (۲) لا يصبر إلّا قليلاً عند المصيبة!
- (۳) صدقه دائمٍ عند الخوف و الرجاء!
- (۴) لا يحلم إلّا كثيراً عندما يغضب!

۲۱ عین ما ليس فيه اسم التفضيل:

- (۱) أكبر حيوان نراه حولنا هو الفيل!
- (۲) يجب أن نرى الآخرين أحسن منّا!
- (۳) أحسن إلى الناس كما تريد أن يُحسنوا إليك!
- (۴) أكره الأعمال لقطع التواصل بين الناس هو الغيبة!

۲۲ عین ما فيه «نون الوقاية»:

- (۱) أتمني أن أصعد إلى ذلك الجبل المرتفع!
- (۲) لا تحزني يا صديقتي العزيزة على هذه المشكلة!
- (۳) أختي! يجب عليك أن تعيّني برنامجك في الأسبوع!
- (۴) كان صديقي في البحر، فنادى: إن لم تعينوني أغرق!

۲۳ عین الصحيح للفراغين:

«ذهبت مع أسرتي إلى سفرة يوم الأحد. طالت سفرتنا ثلاثة أيام. رجعنا في الساعة السابعة صباحاً. كنّا خمس ساعات في الطريق. فوصلنا في الساعة من يوم إلى بيتنا!»

- (۱) الثاني عشر - الثلاثاء
- (۲) الثانية عشرة - الأربعاء
- (۳) الثاني عشر - الأربعاء
- (۴) الثانية عشرة - الاثنين

۲۴ عین الفعل الذي لا يُمكن أن يُقرأ مجهولاً (على حسب المعنى):

- (۱) أخبرت الطالبات كلّهن بهذا الخبر المهم!
- (۲) أرضعت الأمّ الحنون ولدها و هو صغير جداً!
- (۳) أرسلت قوانين الشريعة في الكتب السماوية للناس!
- (۴) أغلقت أبواب المدرسة يوم أمس بسبب الأمطار الكثيرة!

۲۵ عین ما فيه الخبر من نوعيه (الاسم و الجملة):

- (۱) دور الدلافين في تمييز أماكن تجمّع الأسماك أمر مهمّ للإنسان!
- (۲) الدلافين عدوّ لسمك القرش فحينما تراه تتجمّع حوله و تقتله!
- (۳) هذه الحيوانات تُحيرنا جداً في أسلوب حياتها و كثرة جمالها!
- (۴) الدلافين حيوان ذكيّ و هو يُحبّ الإنسان و مساعدته مهما أمكن!

■ عَيْنُ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (۱ - ۱۰):

۱) (أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَى فِرْعَوْنَ الرَّسُولَ):

- ۱) به سوی فرعون رسولی فرستادیم و فرعون از آن رسول نافرمانی کرد!
- ۲) رسولی را برای فرعون ارسال کردیم و فرستاده از فرعون تبعیت نکرد!
- ۳) برای فرعون پیامبر را مبعوث کردیم و فرعون بر آن پیامبر عصیان کرد!
- ۴) پیامبری را به سوی فرعون مبعوث کردیم و آن پیامبر بر فرعون عصیان کرد!

۲) «لَا فَرْخَ يَتَعَلَّمُ الطَّيْرَانِ إِلَّا أَنْ يَقْذِفَ نَفْسَهُ مِنَ الْأَعْلَى إِلَى الْأَسْفَلِ»:

- ۱) فقط جوجه‌ای پرواز کردن را یاد می‌گیرد که بتواند خود را از بالا به پایین بیندازد!
- ۲) هیچ جوجه‌ای پرواز کردن را جز با پرتاب شدن خود از بالا به سمت پایین نمی‌آموزد!
- ۳) هر جوجه‌ای فقط زمانی پرواز را می‌آموزد که خودش را از بالا به سمت پایین بیندازد!
- ۴) هیچ جوجه‌ای نیست که پرواز یاد بگیرد مگر اینکه خودش را از بالا به پایین پرتاب کند!

۳) «لَا شَكَّ أَنَّ كَيْفِيَّةَ اسْتِعْمَالِ الْأَعْشَابِ الطَّبِيَّةِ عِنْدَ الْحَيَوَانَاتِ الصَّحْرَاوِيَّةِ وَالطَّيْتُورِ، قَدْ سَاعَدَتْ الْإِنْسَانَ فِي صُنْعِ الْأَدْوِيَةِ»:

- ۱) چگونگی بکارگیری گیاهان طبی نزد حیوانات صحرایی و پرندگان، بدون شک به انسان در ساختن داروها کمک کرده است!
- ۲) چگونگی به کار گرفتن گیاهان پزشکی در حیوانات بیابانی و پرندگان، بلاشک به انسان در ساخت داروها کمک کرده بود!
- ۳) بدون شک نحوه کاربرد گیاهان دارویی نزد حیوانات و پرندگان صحرایی، به انسان در پیدایش داروها یاری رسانده است!
- ۴) بلاشک نحوه گیاهان پزشکی در حیوانات و پرندگان بیابانی به انسان برای ایجاد داروها یاری رسانده بود!

۴) «بَعْضُ اخْتِرَاعَاتِ الْإِنْسَانِ لَيْسَتْ فِي مَجَالِ الْإِعْمَارِ وَالْبِنَاءِ، لِأَنَّهُ لَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يُدْرِكَ مَاذَا يَنْفَعُهُ وَمَاذَا يَضُرُّهُ»: بعضی از اختراعات انسان

- ۱) در جهت آباد کردن و ساختن نمی‌باشد، زیرا او قادر نیست آنچه را سود می‌رساند و آنچه را زیان می‌بخشد بشناسد!
- ۲) در زمینه آبادانی و سازندگی نیست، زیرا او نتوانسته است درک کند چه چیزی به او سود می‌رساند و چه چیزی ضرر می‌رساند!
- ۳) در عرصه آبادانی و ساخت و ساز نیست، از آنجا که قادر به درک چیزی که برایش سودبخش است و آنچه زیان‌بخش است نمی‌باشد!
- ۴) در مسیر آباد شدن و سازنده بودن نمی‌باشد، از این جهت که او نتوانسته است چیزی که به او سود می‌رساند یا زیان می‌زند را بفهمد!

۵) «يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَقْتَصِدَ فِي اسْتِهْلَاكِ قُوَّةِ الْكهربَاءِ حَتَّى لَا نُوَاجِهَ قَطْعَهَا فِي الْآيَاتِمِ الَّتِي نَحْتَاجُ إِلَيْهَا»:

- ۱) ما باید در مصرف نیروی برق صرفه‌جویی کنیم تا در روزهایی که به آن نیاز داریم با قطع آن مواجه نشویم!
- ۲) صرفه‌جویی در مصرف انرژی برق واجب است تا با قطع شدنش در روزهایی که به آن نیاز داریم روبه‌رو نشویم!
- ۳) لازم است در مصرف انرژی برق صرفه‌جویی کنیم زیرا در روزهایی که با قطعی آن مواجه می‌شویم به آن نیاز داریم!
- ۴) بر ما لازم است که در مصرف نیروی برق صرفه‌جویی کنیم زیرا در روزهایی که با قطع شدنش روبه‌رو می‌شویم به آن احتیاج داریم!

۶) «تَبَادُلُ الْمَفْرَدَاتِ بَيْنَ اللُّغَاتِ يُؤَثِّرُ عَلَيْهَا تَأْثِيرًا يَجْعَلُهَا غَنِيَّةً فِي الْأَسْلُوبِ وَالْبَيَانِ»:

- ۱) عوض کردن واژگان بین زبان‌ها بسیار اثرگذار است به گونه‌ای که آن‌ها را در اسلوب و بیان بی‌نیاز می‌سازد!
- ۲) در میان زبان‌ها عوض کردن واژه‌ها چنان تأثیری بر آن‌ها می‌گذارد که آن‌ها را در اسلوب و بیان غنی می‌سازد!
- ۳) در میان زبان‌ها جابه‌جایی کلمات است که بر آن‌ها اثر می‌کند و آن‌ها را در اسلوب و بیان پُر ثمر می‌گرداند!
- ۴) تبادل کلمات بین زبان‌ها به گونه‌ای بر آن‌ها اثر می‌گذارد که آن‌ها را در اسلوب و بیان غنی می‌گرداند!

۷) «لَا تُسَجَّلُ صَدِيقَتِي الْمُجَدَّةُ فِي دَفْتَرِهَا إِلَّا الْمَوْضُوعَاتُ الْجَدِيدَةُ وَالْمَهْمَةُ»:

- ۱) دوست تلاشگر فقط موضوعات جدید و مهم را در دفترش ثبت می‌کند!
- ۲) دوست تلاشگر من در دفترش ثبت نمی‌شود مگر موضوعات جدید و مهم!
- ۳) دوستم با تلاشش چیزی در دفترش ثبت نمی‌کند جز موضوعات جدید و مهم را!
- ۴) چیزی جز موضوعات جدید و مهم در دفتر دوستم که تلاشگر است، ثبت نمی‌شود!

عین الصحیح:

- (١) قد يذكر الإنسان ذكرياته القديمة و يفرح بها: قطعاً انسان خاطرات قدیمی خود را به یاد می آورد و با آن ها خوشحال می شود!
- (٢) لا يتردد الوالد في شراء ما تحتاج إليه أسرته: پدر در خریدن آن چه که خانواده اش به آن نیاز داشت، تردید نکرده است!
- (٣) هؤلاء كانوا يُعاملون الآخرين معاملةً حسنة دائماً: اینان همواره نسبت به دیگران به خوبی رفتار می کنند!
- (٤) لبت هذه التلميذة تُحبّ الدّراسة في تلك المدرسة: کاش این دانش آموز تحصیل در آن مدرسه را دوست بدارد!

عین الخطأ:

- (١) عندما نعرف كيف فشلنا نفهم كيف سننجح: هر زمان بدانیم چگونه شکست خوردیم، می فهمیم چگونه موفق خواهیم شد!
- (٢) لا شك أنك لا تخسر إلا إذا امتنعت عن المحاولة: شکی نیست که تو فقط زمانی که از تلاش خودداری کنی، زیان می بینی!
- (٣) إن النجاح لا يحتاج إلى الإقدام فقط، بل إلى الجسارة أيضاً: پیروز شدن فقط به قدم ها احتیاج ندارد بلکه به جسارت نیز نیازمند است!
- (٤) من يكذب، لا يجد دليلاً مُقنعاً لإثبات قوله أبداً: کسی که دروغ می گوید، هرگز برای ثابت کردن گفته خود دلیلی قانع کننده نمی یابد!

«ابر، بخار متراکمی است در آسمان که باران از آن فرو می ریزد!»:

- (١) السحاب، المتراكم في السماء و المطر نزل منه! (٢) الغيم، بخار متراکم في السماء ينزل منه المطر!
- (٣) الغيوم، البخار المتراكم في السماء ينزل منه مطر! (٤) السحاب، متراکم في السماء و البخار نزل منه المطر!

■ إقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة (١١ - ١٤) بما يناسب النص:

أكد العديد من الدراسات أنّ ممارسة التمارين الرياضيّة بشكل منتظم تُؤثّر إلى حدّ كبير على رفع قدرات الدّماغ* و الزّيادة من نشاطه، كما هي تُساعد على تسريع نموّ الخلايا** العصبيّة و ارتباطها مع بعضها البعض، الأمر الذي يُسبّب أنّ الإنسان يهتمّ به أكثر لأنّه مهمّ جدّاً في تطوير (= ارتفاع) القدرات العقلية للفرد و منع زوالها و ضعفها!

و في هذا المجال يحتاج الدّماغ إلى الموادّ الغذائيّة للمحافظة على نشاطه و نموّه كذلك، فإنّه يستهلك ٢٠٪ (العشرين بالمائة) من الموادّ الداخلة إلى الجسم لتغذية خلاياه بشكل يوميّ، و من أهمّ هذه الموادّ التي تساعد على تحسين عمل الدّماغ هو الفواكه و الخضراوات و المأكولات الغنيّة بأوميجا ٣ (امگا ٣) ولكن لاننسى أنّ مفتاح الورد في هذه الساحة و الاهتمام بهذه المهمّة هو وجود الفكر السالم و الدّهن البعيد عن الوسوس الشيطانيّة!

* الدماغ: مخ

** خلايا: ج خلية؛ المادّة الأساسيّة في كلّ مخلوق حيّ لا نراها بالعين المجردة.

١١ ما هو المؤثّر في ازدياد قدرات الدماغ؟ عین الخطأ:

- (١) القيام بالرياضيات المنظمة طول الحياة!
- (٢) تناول الأطعمة المفيدة و المأكولات الغنيّة بأوميجا ٣!
- (٣) المحاولة للحصول على فكرة سالمة تتمتع بكلّ ما فيه خيراً!
- (٤) السعي وراء ازدياد القدرة الجسديّة بممارسة التمارين الرياضيّة!

١٢ عین الخطأ: تسريع ارتباط الخلايا العصبيّة

- (١) يسبّب قيام الخلايا بواجبها بأحسن صورة!
- (٢) يسبّب أنّ الإنسان يقوم بأعماله الرياضيّة منتظماً!
- (٣) يمنع من نسيان الموضوعات و عدم القدرة على تحليلها أو حلّها!
- (٤) يمنع من حدوث بعض المشكلات التي يصاب بها الإنسان في أواخر عمره!

١٣ عین الصحیح: الدماغ لن يستطيع أن يقوم بعمله كما هو لائق إلا أن يستهلك

- (١) خمس المأكولات التي يتناولها الإنسان في كلّ أربع و عشرين ساعة! (٢) ٢٠٪ من الفواكه و ممّا فيها أوميجا ٣ و لا فائدة في غير هذين!
- (٣) العشرين بالمائة من كلّ مادّة غذائيّة يستفيد منها الإنسان!
- (٤) خمساً من الموادّ الداخلة إلى الجسم بشكل شهريّ!

١٤ عین غير المناسب لعنوان النص:

- (١) العقل السليم في الجسم السليم! (٢) مفاتيح الحياة المتوازنة!
- (٣) أثر النشاط في إعادة النسيان! (٤) أثر الرياضة في تقوية الدماغ!

■ عین الصحیح في الإعراب و التحليل الصرفي (١٥ - ١٧):

١٥ «تؤثّر»:

- (١) فعل مضارع - للغائب - مزيد ثلاثي بحرف واحد (من باب تفعل) مع فاعله جملة فعلية
- (٢) مضارع - للمؤثّر الغائب - مزيد ثلاثي (من باب تفعيل) فعل مرفوع و مع فاعله جملة فعلية
- (٣) للمفرد المؤثّر الغائب (= للغائب) - مزيد ثلاثي - لازم - مجهول/ فعل مرفوع، و الجملة فعلية
- (٤) فعل مضارع - للمفرد المذكر المخاطب - مزيد ثلاثي بحرف واحد، مصدره: تأثّر/ مع فاعله جملة فعلية

١٦ «يستهلك»:

- ١) مضارع - للمفرد المذكر الغائب (= الغائب) - لازم - معلوم / فعل و مع مفعوله جملة فعلية
- ٢) للمفرد الغائب - له ثلاثة حروف زائدة (= مزيد ثلاثي) - مجهول / فعل و مع نائب فاعله جملة فعلية
- ٣) مزيد ثلاثي (مصدره: استهلك، على وزن استفعال) / فعل مرفوع و مع فاعله جملة فعلية و خبر حرف إن المشبته بالفعل
- ٤) فعل مضارع - للغائب - مزيد ثلاثي (حروفه الأصلية «س ل ك») / الجملة فعلية و خبر لحرف «إن» المشبته بالفعل و مرفوع

١٧ «ممارسة»:

- ١) اسم - مفرد مؤنث - مصدر (من باب مفاعلة) - معرب / اسم «أنت» المشبته بالفعل و منصوب
- ٢) مفرد مؤنث - اسم مفعول (اشتقاقه من فعل «مارس» على وزن «فاعل») / اسم «أنت» و منصوب
- ٣) اسم - مفرد مؤنث - اسم فاعل (اشتقاقه من فعل «مارس») / اسم «أنت» المشبته بالفعل، و الجملة اسمية
- ٤) مفرد مؤنث - مصدر (على وزن مفاعلة) - مبني / اسم لحرف «أنت» المشبته بالفعل، و خبره جملة «تؤثر»

■ عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ (١٨ - ٢٥):

١٨ عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْحُرُوفِ:

- ١) أَكْبَرَ الْحُمُقِ الْإِغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَالذَّمِّ!
- ٢) لَا يَسْتَطِيعُ الْكَذَّابُ أَنْ يُخْفِيَ كِذْبَهُ أَوْ يُنْكِرَهُ!
- ٣) الطُّلَّابُ الْمُؤَدَّبُونَ مُحْتَرَمُونَ عِنْدَ الْمُعَلِّمِينَ!
- ٤) الصَّدِيقُ مَنْ كَانَ نَاهِيًا عَنِ الظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ!

١٩ عَيْنُ الْخَطَا عَنْ «الْوَحْيَةِ»:

- ١) نُمارِسُ الدُّرُوسَ عَلَيْهَا!
- ٢) نَكْتُبُ عَلَيْهَا أَخْبَارًا عَامَّةً!
- ٣) لَا نَجِدُهَا إِلَّا كَبِيرَةً وَ بِأَلْوَانٍ مُخْتَلِفَةٍ!
- ٤) نَرَسُمُ عَلَيْهَا إِشَارَاتِ الْمُرُورِ وَالصُّوَرِ الْجَمِيلَةِ!

٢٠ عَيْنُ الْخَطَا:

- ١) الْأَسْرَى: هُم مِّنَ الَّذِينَ يُغْلَبُونَ فِي الْحَرْبِ، فَيَأْخُذُهُمُ الْعَدُوُّ!
- ٢) الْأُسْرَةُ: أَعْضَاءُ الْبَيْتِ الْوَاحِدِ يَعِيشُونَ مَعًا كَالْأَهْلِ!
- ٣) الْأَسْرَةُ: مِنَ الْوَسَائِلِ الَّتِي تُسْتَعْمَلُ لِلتُّومِ كَالْفِرَاشِ!
- ٤) الْإِسْرَاءُ: حَرَكَةُ الشَّخْصِ لَيْلًا وَ نَهَارًا إِلَى مَكَانٍ!

٢١ عَيْنُ حَرْفِ «ن» مِنَ الْحُرُوفِ الْأَصْلِيَّةِ لِلْفِعْلِ:

- ١) إِذَا يَنْكَسِرُ سُورُ الْجَهْلِ نَبْتَعِدُ نَحْنُ عَنِ الْحِمَاقَةِ!
- ٢) يَنْطَلِقُ طَائِرُ الطَّنَانِ بِسُرْعَةٍ وَ يَتَوَقَّفُ بِسُرْعَةٍ أَيْضًا!
- ٣) لَا تَنْقَطِعُ الْأَشْجَارُ فِي الْغَابَاتِ إِلَّا وَ هُوَ خَسَارَةٌ لِّبَيْتِنَا!
- ٤) يَنْتَقِلُ التَّفَطُّ بِالنَّاقِلَاتِ فِي الْمَنَاطِقِ الَّتِي لَا تَوْجَدُ الْأَنْبِيِبُ!

٢٢ عَيْنُ اسْمِ الْفَاعِلِ يَكُونُ خَبْرًا:

- ١) بَعْدَ مَدَّةٍ قَلِيلَةٍ أَصْبَحَتْ هَذِهِ الْأَشْجَارُ الْمُثْمِرَةُ جَمِيلَةً!
- ٢) إِنَّ الْمَشَاكِلَ لَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَهْزِمَ الْإِنْسَانَ الْمُتَوَكِّلَ عَلَى اللَّهِ!
- ٣) التَّلَامِيذُ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ بِوَأْجَابَتِهِمْ قَادِرُونَ عَلَى أَدَاءِ جَمِيعِ أَعْمَالِهِمْ!
- ٤) كَانَ جَمَاعَةٌ مِنَ الْمَسَافِرِينَ يُشَاهِدُونَ الْمَنَاطِرَ الْجَمِيلَةَ مِنْ دَاخِلِ الْقَطَارِ!

٢٣ عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ «نُونٌ» لِلْوَقَايَةِ:

- ١) إِنْ لَمْ تُؤْمِنِي بِقُوَّةِ نَفْسِكَ فَلَنْ تَتَقَدَّمِي فِي الْحَيَاةِ!
- ٢) مَنَعْنِي التَّزَامِي بِالصَّدَقِ مِنْ ارْتِكَابِ الْمَعَاصِي!
- ٣) أَعَانَتْنِي بَوْمَاتُ مَزْرَعَتِي لِأَتَخَلَّصَ مِنْ شَرِّ الْفُتْرَانِ!
- ٤) فِي اللَّعْبِ أَعْطَانِي صَدِيقِي الْكَرَّةَ وَ رَمَيْتُهَا إِلَى الْهَدَفِ!

٢٤ عَيْنُ الْفِعْلِ مَجْهُولًا (بِالنَّظَرِ إِلَى الْمَعْنَى):

- ١) أُرِيدُ أَنْ تُخْبِرَ صَدِيقَكَ أَنَّ لِحْظَةَ الْلِقَاءِ قَرِيبَةٌ!
- ٢) لَا تَسْمَحْ أَنْ يَتْرَكَ احْتِرَامُ الْفُقَرَاءِ بِسَبَبِ فَقْرِهِمْ!
- ٣) كَيْفَ يُمَكِّنُ أَنْ لَا نَكْرَمَ مَنْ يَبْسُطُ لَنَا وَجْهَهُ دَائِمًا!
- ٤) أَكْرَمَ مَعْلَمِي بِإِطَاعَتِهِ وَ هُوَ يَمْنَحُ لِي مَا عِنْدَهُ مِنَ الْعِلْمِ!

٢٥ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي عَمَلِ الْحُرُوفِ الْمُشَبَّهَةِ بِالْفِعْلِ وَ الْأَفْعَالِ النَّاكِصَةِ:

- ١) إِنْ فِي الصَّدَقِ نَجَاةٌ كَتَا رَاغِبِينَ فِيهَا!
- ٢) كَتَا سَامِعَاتٍ حِينَ أَمَرْنَا أَلَّا نَكُونَ مُتَكَاسِلَاتٍ!
- ٣) إِنْ السَّاعِي فِي الْخَيْرِ كَانَ مَكْرَمٌ عِنْدَ النَّاسِ!
- ٤) لَسْنَا فَاشِلِينَ فِي الْحَيَاةِ لِأَنَّا سَاعُونَ فِي عَمَلِنَا!



■ عَيْنِ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (۱ - ۱۰):

۱) (اصبر إن وعد الله حق، و استغفر لذنبك ...):

۱) صبر پیشه کن همانا وعده خداوند حق است، و برای گناهات آمرزش بخواه...

۲) شکیبایی پیشه کن زیرا وعده الله بحق است، و برای گناهانت استغفار کن...

۳) صبر را پیشه خود بساز که وعده الله حقیقت است، و خدا برای گناه تو مغفرت خواست...

۴) شکیبایی نشان بده همانا وعده خدای تو حقیقت است، و برای گناهان خویش آمرزش طلب کن...

۲) «علینا أن نستفيد من تجارب الناجحين بأنهم كيف واجهوا الصعوبات و نهضوا بعد السقوط و استمروا على سلوكهم حتى التجاج»: ما باید از تجارب انسان‌های موفق

۱) بهره ببریم به اینکه چطور با مشکلات روبه‌رو شدند و بعد از افتادن برخاستند تا به راه خودشان تا موفقیت ادامه بدهند!

۲) استفاده کنیم که چگونه با سختی‌ها روبه‌رو شده‌اند و بعد از سقوط برخاسته‌اند و روش خود را تا پیروزی، ادامه داده‌اند!

۳) بهره‌مند شویم بدین گونه که با دشواری‌ها چگونه مواجه می‌شوند و بعد از سقوط کردن برمی‌خیزند و بر رفتارشان تا پیروزی باقی مانده‌اند!

۴) استفاده نماییم که آن‌ها با مشکلات چطور برخورد کرده‌اند و بعد از افتادن چگونه بلند شده‌اند و چگونه بر سلوک خود تا پیروز شدن باقی می‌مانند!

۳) «ليس من الضروري أن يكون لديك أصدقاء كثيرون لتصبح ذا شخصية معروفة عند الناس!»:

۱) نیازی نیست که در کنار تو دوستان زیاد باشند برای اینکه آن‌ها دارای یک شخصیت شناخته شده نزد مردم باشند!

۲) نیازی به این نیست که دوستان تو فراوان باشند تا اینکه دارای شخصیت شناخته شده‌ای نزد مردم باشی!

۳) ضروری این نیست که دوستان زیاد باشند تا تو هم صاحب شخصیتی شهیر بین مردم شوی!

۴) ضروری نیست که دوستان بسیاری داشته باشی تا دارای شخصیت معروفی نزد مردم شوی!

۴) «الإنسان لا يُصاب بأمر إلا بقدر طاقته، فعلينا أن يزداد إيماننا لأن الله لن يترك مُحِبِّه!»:

۱) انسان فقط به اندازه توانش به امری دچار شده است، پس باید ایمانمان را زیاد کنیم زیرا خدا علاقمندانش را رها نخواهد کرد!

۲) انسان به اندازه توانش به امور دچار می‌شود، پس باید ایمانمان را زیاد کنیم زیرا خدا محبتان خود را هرگز ترک نمی‌کند!

۳) انسان به چیزی دچار نمی‌شود مگر به اندازه توانش، پس باید ایمانمان زیاد شود زیرا خدا دوستدارانش را رها نخواهد کرد!

۴) انسان هیچ‌گاه بیش از توانش به خواسته‌ای دچار نمی‌شود، پس باید ایمانمان زیاد شود زیرا خدا هرگز محبوبان خود را رها نمی‌کند!

۵) «ما أجملُ أن ترى نهايةَ أحزانِك الماضيةِ لتبدأَ حياةً جديدةً فرحةً!»:

۱) چه زیباست که پایان غم‌های گذشته‌ات را ببینی تا زندگی جدید شادی را شروع کنی!

۲) چیزی زیباتر است که غم‌های گذشته‌ات را پایان دهد تا یک زندگی جدید را با شادی آغاز کنی!

۳) چه زیباست که ببینی اندوه‌های گذشته‌ات پایان یافته برای اینکه زندگی جدید شادی شروع شود!

۴) آن‌چه زیباتر است اینست که پایان ناراحتی‌های قبلی‌ات را ببینی برای اینکه زندگی جدیدی شادمانه شروع شود!

۶) «إن أمكنَ لنا أن نستخدمَ الحديدَ و النحاسَ في بناءِ البيوتِ فإِنَّهَا لا تَتَخَرَّبُ بسهولةٍ بعد أن تَحْدَثَ حادثةٌ»:

۱) هرگاه امکان استفاده از آهن و مس در ساختمان خانه‌هایمان باشد، پس از هر حادثه‌ای که رخ دهد خانه ما ویران نمی‌شود!

۲) اگر برایمان ممکن شود که آهن و مس را در ساختن خانه‌ها به کار ببریم، بعد از اینکه حادثه‌ای اتفاق بیفتد به آسانی خراب نمی‌شود!

۳) هرگاه برای ما ممکن باشد که در ساختن خانه‌ها از آهن و مس استفاده کنیم، بعد از اینکه حادثه‌ای رخ دهد خانه به ویرانی نمی‌انجامد!

۴) اگر ممکن باشد که در ساختمان خانه‌هایمان آهن و مس به کار ببریم، پس از اینکه حادثه‌ای اتفاق بیفتد خانه‌ها به سرعت به خرابی نمی‌انجامد!

۷ «هناك مفرداتٌ في كلِّ لغةٍ قد دخلت فيها من اللّغات الأخرى و قد أصبحت كلماتٍ لها معانٍ جديدة!»:

- ۱) در هر زبان لغتهایی است که از دیگر زبانها در آن وارد شده، و معانی جدیدی برای آن ایجاد کرده است!
- ۲) واژه‌هایی در هر زبان موجود است که از دیگر زبانها داخل آن شده و معانی جدیدی بر آن افزوده است!
- ۳) در هر زبانی کلماتی وجود دارد که از زبانهای دیگر وارد آن شده و واژگانی با معانی جدید شده‌اند!
- ۴) کلماتی در هر زبان وجود دارد که از زبانهای دیگر داخل آن شده و معانی دیگری یافته است!

۸ عَيْنُ الْخَطَأِ:

- ۱) العلم إن لم يَنْفَعْنَا لا يَضُرُّنا: علم اگر به ما نفع نرساند ضرر نمی‌رساند!
- ۲) إِنَّمَا الدِّينُ إِطَارٌ للعلم و الحضارة: دین چارچوبی برای علم و تمدن است!
- ۳) التَّفَكُّرُ هو الدَّواءُ لدفع سُموُمِ الخرافات: فکر کردن همان دارو است برای دفع کردن سموم خرافات!
- ۴) الفضلاء شخصيتُهُم أقوى من أن يُقَلَّدوا للجهلاء: فضلان شخصیتشان قوی‌تر از این است که از جاهلان تقلید کنند!

۹ عَيْنُ الْخَطَأِ:

- ۱) الجهلُ مصيبةٌ لن نَتَخَلَّصَ منه إلَّا بالعلم: فقط با علم، از مصیبت جهل، رهایی می‌یابیم!
- ۲) كثيرٌ من الناس يعرفون كلَّ شيءٍ بضدِّه معرفةً أفضل: بسیاری از مردم هر چیزی را با ضدش بهتر می‌شناسند!
- ۳) علی الإنسان أن لا یَجرح قلبَ الآخرين بكلماتٍ قبيحة: انسان نباید با کلمات زشت قلب دیگران را مجروح کند!
- ۴) كَأَنَّ العُلَماءَ في بسط العلم ليسوا إلَّا مطرّاً للأرض: گویی دانشمندان در گسترش علم چیزی جز باران برای زمین نیستند!

۱۰ «در ترازو چیزی سنگین‌تر از خوی نیکو نیست!»، عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) ليس شيءٌ في ميزان أثقل من حُسْنِ الخلق! ۲) في ميزان الشيء ليس ثقیل مثل حسن الأخلاق!
- ۳) في الميزان ليس شيءٌ ثقیل من الأخلاق الحسن! ۴) ليس شيءٌ أثقل في الميزان من الخلق الحسن!

■ إقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة (۱۱ - ۱۴) بما يناسب النص:

عندما يقوم الإنسان باختيار الأصدقاء، فعليه أن يستفيد من حوادث حياته و يكتسب منها تجارب. و هذا الأمر يُسبب أن يُفكّر في الأخطاء التي وقع فيها و المساعي التي بذلها للخروج منها، فالعاقل يأخذ منها دروساً تمنعه من تكوين صداقات مع الذين ليسوا مهذبين و صادقين فيما يدعون! و على الإنسان أن يعلم أنه في أوقات الراحة و السعادة و السرور من السهل الحصول على العديد من الأصدقاء المختلفين، فإن هذه المجالات تجعل إيجاد العلاقات أكثر سهولة، ولكنها لا تُعرِّفنا على الصديق الحقيقي الذي يُمكن الاعتماد عليه؛ فإن الذين يَقفون عند أصدقائهم في الصعوبات هم الذين نَعُدُّهم أوفياء و يُمكن أن نَتَّخِذهم شركاء في حياتنا!

۱۱ عَيْنُ الصَّحِيحِ: أحد الطُّرُق الذي هو أكثر أهمية في مجال كشف الأصدقاء الحقيقيين هو

- ۱) أن نجعل الماضي عِبْرَةً للمستقبل! ۲) أن الاختبار لا يُعرِّفنا الصَّحيح من السقيم!
- ۳) أن لا نَتَّخِذَ صديقاً في أيام الرخاء و الراحة! ۴) أن الأصدقاء الأوفياء لا يَقفون مع الإنسان في الشدائد!

۱۲ ما الذي يُبْعِدنا عن اتِّخاذ أصدقاء السوء؟ عَيْنُ الْخَطَأِ:

- ۱) السعي وراء ما يقوم به الناس و متابعتُه في حياتنا!
- ۲) العلم بأنَّ الحوادث تتكرّر، فالعاقل هو الذي لا يعبر منها غافلاً!
- ۳) تحليل الماضي و التدقيق فيما فعلنا في مجال الصداقة حتّى لا نكرّر أخطاءنا!
- ۴) الاعتقاد بأنَّ في الحياة دروساً، علينا أن نَتَّخِذها سراجاً أو مصباحاً في أعمالنا!

۱۳ عَيْنُ الْمُناسِبِ لِعنوان النص:

- ۱) أدبُ الصديق خير من ذهبه! ۲) العاقل لا يخسر من أمر مرّتين!
- ۳) الصديق هو المفتاح لكلِّ باب مُغلق! ۴) صدور الأصدقاء قبور الأسرار!

۱۴ عَيْنُ الْأَنْسَبِ حَسَبِ النَّص:

- ۱) المرء مرآة أخيه! ۲) يُعرِّف الأصدقاء عند الحاجة!
- ۳) إنَّ الطيور على أشكالها تطير! ۴) الصديق لنا و كلِّ نِعَمِ الجَنَّةِ لكم!

■ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ (١٥ - ١٧):

«يَكْتَسِبُ»:

- (١) فعل مضارع - للغائب - ماضيه «اكتسب» على وزن افعل / فعلٌ و مع فاعله جملةٌ فعلية
- (٢) للغائب - مصدره «اكتساب» من وزن انفعال - معلوم / مع فاعله جملةٌ فعلية، و مفعوله «تجارب»
- (٣) فعل مضارع - صيغته مفرد مذكر غائب - له حرفان أصليّان و حرفان زائدان / مع فاعله جملةٌ فعلية
- (٤) مضارع - حروفه الأصلية «ك س ب» و له حرفان زائدان (= مزيد ثلاثي) / فعل و فاعله «تجارب»

«يُفَكِّرُ»:

- (١) للغائب - حروفه الأصلية «ف ك ر» و ليس له حرف زائد / فعل و مع فاعله جملةٌ فعلية
- (٢) صيغته للمفرد المذكر الغائب - مجهول - مصدره «تفكير» على وزن أو من باب «تفعّل»
- (٣) فعل مضارع - للغائب - ماضيه «فكّر» على وزن فَعَّلَ، مصدره «تفكّر» من باب «تفعّل»
- (٤) مضارع - حروفه الأصلية «ف ك ر» و له حرف زائد واحد / فعلٌ و مع فاعله جملةٌ فعلية

«الاعتماد»:

- (١) اسم - مفرد مذكر - معرّف بأل - حروفه الأصلية «ع م د» و وزنه «افتعال» / مضاف اليه
- (٢) اسم - مصدر من وزن «افتعال» و الماضي منه «اعتمد» على وزن «افتعل» / فاعل لفعل «يُمكن»
- (٣) مفرد مذكر - مصدر من باب «افتعال» مضارعه «يعتمد» و أمره «إعتد» - نكرة / فاعل لفعل «يُمكن»
- (٤) مفرد مذكر - معرّف بأل - مصدر على وزن «افتعال» و حروفه الأصلية «ع م د» / مفعول لفعل «يُمكن»

■ عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ (١٨ - ٢٥):

عَيْنُ الْخَطَأِ فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْحُرُوفِ:

- (١) شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَتَّقِدُ الْأَمَانَةَ وَلَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ!
- (٢) الشَّجَرَةُ الْخَائِفَةُ تَنْمُو فِي بَعْضِ الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَاتِيَّةِ!
- (٣) عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَاشُوا تَعَاشًا سَلِيمًا!
- (٤) يَرَى حَافِظُ الدَّهْرِ مِنْ هَجَرِ حَبِيبِهِ كَالْقِيَامَةِ!

«يترك الطالبُ البيتَ و يذهب إلى المدرسة بعد أن يأكلَ غداءه!»، عَيْنُ الصَّحِيحِ: الطالب يدرس

- | | | | |
|-----------|------------|-------------|------------|
| (١) ليلاً | (٢) مساءً! | (٣) صباحاً! | (٤) نهراً! |
|-----------|------------|-------------|------------|

عَيْنُ الْخَطَأِ عَنِ «الْجَزَاةِ»:

- (١) هي آلة تُساعد المُزارعين!
- (٢) يُنتفع بها في الأعمال الزراعية!
- (٣) تُستخدم في المزارع عادة!
- (٤) تَجَرّ نفسها على الأراضي الزراعية!

عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- (١) هو في حياته أهدى مِنِّي كثيراً!
- (٢) بكلامه اللين سَمِعْنَا أهدى الكلمات!
- (٣) صديقي أهدى إِلَيَّ كتاباً من مكتبته!
- (٤) أهدى عملي نعرفه، هو بالعمل لا بالكلام!

عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ الْمَعَادِلُ لِلْمُضَارِعِ الْفَارِسِيِّ:

- (١) يُحذّر الشرطيّ المسافرين ألاّ يقتربوا مِنَ الْأَمَكانِ الْخَطِرَةِ!
- (٢) يا أصدقاء: يجب أن تكونوا من المتوكّلين حتّى لا تياسوا!
- (٣) يا أيّها الأطفال: لا تقربوا من هذه الحفرة لأتّها خُطرة!
- (٤) يجتمع التلاميذُ مع معلّميهم يوميّاً ليتعلّموا العلم!

عَيْنُ مَا فِيهِ «نُونُ الْوَقَايَةِ»:

- (١) يجب عليك أن تُحسني لمن لم تكن له قدرة!
- (٢) بعضُ الطّيور تَبْنِي بيوتَها فوقَ الأشجار المرتفعة!
- (٣) يُرشّدني معلّمي الرّؤوف دائماً إلى تعلّم العلوم النّافعة!
- (٤) يا أختي! إن تُؤمّني بأنّ النّجاحَ نَتِيجَةُ أعمالِكِ فحاولي!

عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاقِ:

- كان في فريقنا أحد عشر لاعباً، طال لعبنا مدّة ساعتين. مضت عشرون دقيقة من اللعب. جُرح لاعبان اثنان مِنّا، واصل لاعبين المباراة لمدّة دقيقة إلى نهاية اللعب!

- | | | | |
|--------------------------|---------------------------|------------------------------|--------------------------|
| (١) سبعة - ساعة و أربعين | (٢) تسعة - ساعتين و عشرين | (٣) ستّة - ساعتين إلّا عشرين | (٤) تسعة - ساعة و أربعين |
|--------------------------|---------------------------|------------------------------|--------------------------|

عَيْنُ جَوَابِ الشَّرْطِ يَخْتَلِفُ نَوْعُهُ عَنِ الْبَاقِي:

- (١) إن تتركوا أداء واجباتكم المدرسيّة ترسبوا في نهاية السّنة!
- (٢) إن نندم على أعمالنا السيّئة نُعَيِّرُها بعد مدّة بسهولة!
- (٣) إن ينم طفلٌ صغير في الغرفة أتكلّم همساً!
- (٤) إن يقطع أحدُ كلام الآخرين فهو قليلُ الأدب!

■ عَيْنُ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ مِنَ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (١ - ١٠):

۱) (أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ):

- ۱) آب را از آسمان نازل کرد و از میوه‌ها روزی برای شما قرار داد!
- ۲) از آسمان آب را نازل کرد و از ثمره‌ها روزی برای شما بیرون آمد!
- ۳) آبی از آسمان فرو فرستاد و به وسیله آن ثمره‌های رزق را برای شما خارج ساخت!
- ۴) از آسمان آبی فرو فرستاد پس به وسیله آن از میوه‌ها رزقی را برای شما خارج ساخت!

۲) «لَا تَعِشْ فِي الْمَاضِي وَ مَا وَقَعَ فِيهِ حَتَّى لَا يُصْبِحَ مُسْتَقْبَلُكَ»:

- ۱) در گذشته و آنچه در آن رخ داده است زندگی مکن تا آینده‌ات تباہ نشود!
- ۲) در گذشته‌ها و چیزهایی که در آن‌ها رخ داده بود زندگی مکن تا آینده تو ضایع نگردد!
- ۳) برای اینکه آینده خود را تباہ نسازی، در گذشته و آنچه در آن روی داد، زندگی مکن!
- ۴) برای تباہ نساختن آینده خویش، در گذشته و چیزی که در آن واقع می‌شود، زندگی منماید!

۳) «هَنَاكَ لَا إِنْسَانَ بَدُونَ خَطَا، وَلَكِنَّهُ يَفْشَلُ عِنْدَمَا يَعِدُّ نَفْسَهُ عَالِمًا يَعْرِفُ كُلَّ شَيْءٍ»:

- ۱) هیچ انسانی نیست که خطا نکند، ولی هنگامی که خود را دانای همه چیز به شمار آورد، شکست خواهد خورد!
- ۲) انسان بدون اشتباه، هیچ‌گاه وجود ندارد، اما او می‌بازد هرگاه خود را دانایی فرض کند که هر چیزی را می‌داند!
- ۳) هیچ انسانی بدون خطا وجود ندارد، ولی زمانی که خودش را عالمی به شمار آورد که همه چیز را می‌داند، شکست می‌خورد!
- ۴) انسان هیچ‌گاه بدون اشتباه نیست، اما زمانی می‌بازد که نفس خود را عالمی به حساب آورد که بر هر چیزی آگاه است!

۴) «كَانَ ذَلِكَ الْعَالَمُ يُمْنِي أَوْقَاتَهُ بِالْمُطَالَعَةِ وَ الدَّرَاسَةِ وَ لَا يَتَّعِدُ عَنِ التَّشَاظُلِ لِحِظَةٍ عَلَى رِغْمِ الظُّرُوفِ الْقَاسِيَةِ»:

- ۱) تمام وقت آن عالم در مطالعه و پژوهش می‌گذشت، و با وجود شرایط سخت یک لحظه از فعالیت دور نمی‌شد!
- ۲) آن دانشمند اوقات خود را به مطالعه و تحقیق می‌گذراند و با وجود شرایط سخت، لحظه‌ای از فعالیت دور نمی‌شد!
- ۳) وقت آن دانشمند به مطالعه و تحقیق می‌گذشت، درحالی که علی‌رغم شرایط سخت لحظه‌ای از کار دور نمی‌شد!
- ۴) آن عالم اوقاتش را در مطالعه و پژوهش می‌گذراند، درحالی که علی‌رغم شرایط سختش حتی یک لحظه از کار دور نمی‌شد!

۵) «كَادَ الْمُعَلِّمُ يَبْدَأُ تَدْرِيسَهُ إِذْ دَخَلَ الصَّفَّ أَحَدُ الطَّلَابِ وَ قَطَعَ كَلَامَ الْمُعَلِّمِ وَ هُوَ خَجِلٌ مِنْ تَأَخُّرِهِ»:

- ۱) معلم تدریسش را شروع می‌کرد که یکی از دانش‌آموزان با شرمندگی از تأخیر خود، وارد کلاس شد و سخن معلم را بُرید!
- ۲) نزدیک بود معلم درس خویش را آغاز کند که دانش‌آموزی ناگهان داخل کلاس شد و کلام معلم را با خجالت از دیر کردنش قطع نمود!
- ۳) نزدیک بود معلم درس خود را آغاز نماید زمانی که یک دانش‌آموز به کلاس داخل شد و سخن معلم را برید و او از تأخیر خویش شرمند شد!
- ۴) معلم تدریس خود را داشت شروع می‌کرد، که ناگهان یکی از دانش‌آموزان وارد کلاس شد و درحالی که از تأخیر خود شرمند بود سخن معلم را قطع کرد!

۶) «قَرَّرْتُ مَعَ أُخْتِي الصَّغْرَى أَنْ نَذْهَبَ غَدًا رَأْسَ السَّاعَةِ التَّاسِعَةِ وَ النَّصَفِ إِلَى الْمُتَحَفِ لِمُشَاهَدَةِ الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ»:

- ۱) با خواهر کوچکم قرار گذاشتیم فردا سر ساعت نه و نیم برای بازدید از آثار باستانی به موزه برویم!
- ۲) من با خواهر کوچک‌ترم قرار گذاشتم؛ سر ساعت نه و نیم فردا به دیدار آثار باستانی موزه‌ها برویم!
- ۳) من و خواهرم صغری قرار گذاشتیم رأس ساعت نه و نیم فردا به مشاهده آثار تاریخی موزه‌ها برویم!
- ۴) با خواهر کوچک‌ترم قرار گذاشتم که فردا رأس ساعت نه و نیم برای مشاهده آثار تاریخی به موزه برویم!

۷) «عَامِلِ النَّاسِ مِثْلَمَا تُحِبُّ أَنْ يُعَامِلُوكَ، وَ لَا تُكُنْ ذَا وَجْهِين!»:

- ۱) با مردم آن‌طور رفتار کن که دوست داری با تو رفتار کنند، و دو رو مباش!
- ۲) طوری با مردمان معامله کنی که دوست داری با تو داد و ستد شود، پس دو چهره نباش!
- ۳) با مردم همان‌طور معامله کنی که دوست داشته‌ای با شما عمل کنند، پس از دورویان نباشید!
- ۴) به گونه‌ای با مردم رفتار کنی که دوست می‌دارید با شما رفتار شود، و دارای دو چهره نباشید!

عین الصّحیح:

- ۱) إِنَّا محتاجون إلى تجارب المتقاعدين لتقدّمنا: ما به تجربة بازنشستگان نیازمندیم تا پیشرفت کنیم!
- ۲) إن كان المتفّرجون في الملعب، يُشجّع اللاعبون: اگر تماشاچیان در ورزشگاه باشند بازیکنان را تشویق می کنند!
- ۳) قد تبدّأ آلاف الصعوبات بعد لحظة إهمالٍ: گاهی بعد از یک لحظه سهل انگاری هزاران مشکل شروع می شود!
- ۴) مَنْ يَتَجَسَّس في أعمال الآخرين فلا أَمْنٌ ولا راحةَ له: کسی که در مورد دیگران جاسوسی کند امنیّت و راحتی ندارد!

عین الصّحیح:

- ۱) أفضلُ سلاح المرء كَلَامُهُ و كَأَنَّهُ حِصَانٌ: بهترین سلاح انسان کلامی است که چون شمشیر می باشد!
- ۲) عَيْنُ البومة ثابتة و هي لا تقدر أن تدیر إِلَّا رَأْسَهَا: چشم جغد ثابت است و فقط سر آن حرکت می کند!
- ۳) هناك عُشٌّ صغير فوق تلك الشجرة المرتفعة لا فرخَ فيه: بالای آن درخت بلند آشیانه کوچکی هست که هیچ جوجه ای در آن نیست!
- ۴) طُلب من الطّلاب أن يأتوا بوالديهم يوم الخميس إلى المدرسة: از دانش آموزان خواست که روز پنجشنبه با والدین خود به مدرسه بیایند!

«امروز کتابی خریدم که قبلاً آن را دیده بودم!»:

- ۱) هذا يوم اشتریت الكتاب و رأيت قبل هذا!
- ۲) اشتریت اليوم کتاباً قد رأيت من قبل!
- ۳) هذا اليوم اشتریت کتاباً رأيت قبل هذا!
- ۴) قد اشتریت اليوم الكتاب و رأيت من قبل!

■ اقرأ النّص التالي ثمّ أجب عن الأسئلة (۱۱ - ۱۴) بما يناسب النّص:

العلمُ يُحيي في الإنسان أموراً مختلفة، منها الشّعور بالاعتماد على النّفس، فمن اتّخذهُ رقيقاً في طريقه في الحياة يرى أنّه لا يقدر أن يعيش غافلاً عمّا يجري حوله، بل يسعى للحصول على غاية يرسمها لنفسه، لينتظر إلى حياة العلماء في التاريخ، فهم لم يستطيعوا أن يعيشوا لأنفسهم فقط لأنّهم رأوا غايةً عُلّيا في الحياة و حاولوا أن يصلوا إليها و كذلك قاموا بدعوة الآخرين إليها أيضاً!

إنّ العلمَ يَنبني حصاراً يُحافظ على كلّ مَنْ يختاره من الوقوع في الخطايا و يَمْنعه من ارتكاب الجرائم و التبعية الخاطئة؛ ولكن هيهات هيهات من الاعتماد على العلم أكثر من طاقته، فإنّه يَهَيئ للمجتمع طرق التقدّم و يُحقّق له ارتقاءً شاملاً يضمن مُستقبلاً مُضيئاً؛ ولكنّ المهمّ في هذا الأمر هو أنّ العلم بوحده لا يُحقّق هذه الغايات الجميلة بل بحاجة إلى رفيق آخر و هو «الإيمان»!

لماذا لا تُصبح الغفلة ملازمةً للعالم؟ عین الصّحیح: لأنّ

- ۱) رفيقه الآخر و هو الإيمان يمنعه من هذا الأمر!
- ۲) التقدّم و المستقبل المضىء لا يسمّحان بذلك!
- ۳) الاعتماد على النّفس هو السبب لمنع ذلك!
- ۴) اتّخاذ الغاية في الحياة يَمْنعه من ذلك!

عین الصّحیح حسب النّص:

- ۱) مفتاح التقدّم الحقيقي هو اكتساب العلم وحيداً!
- ۲) من أخطر الأمور هو تحميل العلم أكثر من طاقته!
- ۳) إنّ الغاية الوحيدة التي يرسمها العلماء هي الاعتماد على النفس!
- ۴) العلم من دون مساعدٍ آخر يحافظ على الجمهور من الخطايا و الزّلل!

بم نحصل على مستقبل مضيء لأبنائنا؟ عین الخطأ: بعلم

- ۱) يزيدهم أخلاقاً تبعدهم عن السلوكيات السيئة!
- ۲) يُساعدهم على اتّخاذ غاياتٍ رفيعة في الحياة!
- ۳) لا يُصاحبه أمرٌ آخر و هو الكفيل وحيداً للتقدّم!
- ۴) يحتاج إلى حصول جناح آخر للطيران و هو الإيمان!

١٤ عَيْن ما لا يناسب موضوع النص:

- (١) خرد باید و دانش و راستی که کزى بکوبد در کاستى!
- (٢) نکند هرگز اهل دانش و داد دل مردم خراب و گنج آباد!
- (٣) علم تنها، تو را به ره آرَد!
- (٤) علم اگر تنها بود رهزن بود!

■ عَيْن الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي (١٥ - ١٧):

١٥ «يُرسَم»:

- (١) فعل مضارع - للغائب - ماضيه «رَسَم» و كُلُّ حروفه أصلية/ فاعله «ها» و الجملة فعلية
- (٢) للمذكر الغائب - حروفه كلها أصلية (= مجرد ثلاثي) - معلوم/ فعلٌ و مع فاعله جملة فعلية
- (٣) للغائب - له ثلاثة حروف أصلية و حرف واحد زائد (= مزيد ثلاثي)/ فعل و مع فاعله جملة فعلية
- (٤) مضارع - ليس له حرفٌ زائد (= مجرد) - مجهول/ مع فاعله جملة فعلية، و ضمير «ها» مفعول

١٦ «يُحافظ»:

- (١) مضارع - للمذكر الغائب - ماضيه «حافظ» على وزن «فاعل»/ فعل و مع فاعله جملة فعلية
- (٢) فعل مضارع - ماضيه «حافظ» من وزن «فاعل» و مصدره «حفظ»/ الجملة فعلية و وصفية
- (٣) للغائب - ماضيه «حافظ» و مصدره «محافظة» من باب «مفاعلة» - مجهول/ مع فاعله جملة فعلية
- (٤) للمفرد المذكر الغائب - له حرفان زائدان (= مزيد ثلاثي)/ الجملة فعلية و صفة للموصوف النكرة «حصاراً»

١٧ «شاملاً»:

- (١) اسم - مفرد مذكر - اسم فاعل (من فعل «شمل» المجرد)/ صفة للموصوف «ارتقاء»
- (٢) مفرد مذكر - اسم فاعل (فعله «شمل» بدون حرف زائد) - نكرة/ صفة و موصوفه «يحقق»
- (٣) مفرد مذكر - معرفة - اسم فاعل (فعله «شمل» بدون حرف زائد)/ صفة و موصوفه «ارتقاء»
- (٤) اسم - اسم فاعل (مأخوذ من فعل «شامل» على وزن «فاعل»)/ صفة أو نعت للموصوف النكرة

■ عَيْن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (١٨ - ٢٥):

١٨ عَيْن الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (١) عَالَمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ!
- (٢) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ!
- (٣) عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَاشَبُوا تَعَايُشاً سَلَامِيّاً!
- (٤) تُؤَدِّي الدَّلَافِينَ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلَامِ!

١٩ عَيْن الخطأ:

- (١) الأرجل: يمشي الإنسان بها!
- (٢) المُتَفَرِّج: الذي يُشجّع اللاعب في المسابقة!
- (٣) السائح: من يُفَرِّح النَّاسَ لزيارة الآثار التاريخية!
- (٤) المشكاة: زجاجة فيها مصباح ينتشر الضوء من داخلها!

■ عَيْن المناسب للفراغين: «أيام الأسبوع و اليوم الوسط منها!»

- (١) سبعة - اثنين
- (٢) سبعة - الثلاثاء
- (٣) سبعة - الاثنين
- (٤) سبعة - ثلاثاء

٢٠ عَيْن وزن «أفعل» ليس اسم تفضيل:

- (١) الشكوت أبلغ كلامٍ مقابل الجاهل!
- (٢) هذه السورة أعظم السور في القرآن الكريم!
- (٣) مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْكَ فَأَحْسِنْ إِلَيْهِ، وَ هَذَا الْعَمَلُ حَسَنٌ!
- (٤) الغنى الأكبر اليأس من كل ما في أيدي الآخرين!

عَین ما فیه «نون الوقایة!»:

- (۱) اُتیتها التلمیذة المجتهدة! بَیّنی لزمیلاتک أُسلوب قراءة الدروس!
- (۲) هل تعرفُ أنّ التّملة تَبني بیّتها تحت الأرض و له نوافذ!
- (۳) نَتَمّی أن نَصِل إلى أهدافنا دون تعب؛ و هذا محال!
- (۴) أنقذني أحدُ أصدقائي قبل أن أغرق في الشّدائد!

عَین کلمة «ما» مضافاً إليه (بالنظر إلى المعنى):

- (۱) أعظمُ ما في الحياة أن يبقى العقلُ شابّاً!
- (۲) لمَ تقول ما ليس لك به علمُ!
- (۳) العلمُ ما ينفعک و العقلُ ما یوصلک إليه!
- (۴) أنظر إلى السّماء لیلاً حتّى تُشاهد ما رأيتهُ أنا!

عَین «ما» شرطیة:

- (۱) ما فعلتُ هذا لك حتّى أتوقع أجره!
- (۲) ما تقول عنه في هذا الأمر غير صحيح!
- (۳) ما تزرع في الدنيا حتّى ترى نتیجته في الآخرة!
- (۴) ما تطلب من الخير للآخرین فإنّک ترى نتیجته!

عَین حرف المشبّه بالفعل یختلف (في المعنى):

- (۱) قد جاء في التاريخ أنّ إبراهيم (ع) أنقذ قومه من عبادة الأصنام!
- (۲) أيّها الإنسان لا تحزن على ما فاتک، إنّ الیأس یبعدک من الله!
- (۳) أ یظنّ الإنسان أنّ الله یترکه سدى و وحيداً!
- (۴) إلهنا و ربّنا نعلم أنّک مع عبادک دائماً!

۴- با توجه به (الذي) بعد از (الهُمُس) که به صورت (که) ترجمه می‌گردد، از بین گزینه‌های (۱) یا (۴) یکی را انتخاب می‌کنیم که گزینه (۱) به خاطر (کاملاً) که اضافه می‌باشد (و در عبارت عربی نیامده است)، نمی‌تواند درست باشد.

۵- با توجه به فعل مجهول (تُسَمَّى) از بین گزینه‌های (۳) یا (۴) یکی را انتخاب می‌کنیم که گزینه (۴) به خاطر (مرورید) (به صورت مفرد آمده است)، پهنه ... و کلمه (واو) قبل از (دُب اکبر)) حذف می‌گردد.

۶- با توجه به (مکان بعید) که نکره است و به صورت (مکانی دور) ترجمه می‌گردد، از بین گزینه‌های (۱) یا (۴) یکی را انتخاب می‌کنیم که گزینه (۴) به خاطر (نیروی زیاد)، (پرتاب می‌کند) و ... نمی‌تواند جواب مورد نظر باشد.

۷- با توجه به اینکه کلمه (عمر) بدون ضمیر آمده است و الأشجار همراه با صفت (الطويلة) آمده، به گزینه (۴) می‌رسیم.

۸- طُوبَى لِمَنْ ... خوشا به حال کسی که ... موارد نادرست در بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): لَنْ تَكُونَ ... نخواهد بود / گزینه (۲): (الْكِبَرُ) صفت آیات است نه (رَبِّ) بنابراین باید بگوییم: نشانه‌های بزرگ پروردگارمان ... / گزینه (۳): فِي بَعْضِ الْحَيَوَانَاتِ: در بعضی حیوانات ...

۹- در گزینه (۴)، فعل يُحْمِنَا (حمایت می‌کند از ما) به شکل درست ترجمه نشده است.

۱۰- (یک ساعت) نکره است و در ترجمه نباید با (ال) بیاید و کلمه (تفکر) مفرد است نه جمع. ترجمه متن:

حرفه ماهیگیری از بیشترین حرفه‌هایی است که انسان برای امرار معاش خود به آن می‌پردازد مخصوصاً در مناطق ساحلی یا مناطقی که با دریاچه‌ها و رودها احاطه شده است به گونه‌ای که گوشت ماهی یکی از مهم‌ترین منابع غذایی است که انسان از آن‌ها استفاده می‌کند همچنان که ماهیان منبع غذایی مهمی برای انسان در گذشته‌های دور بوده است و سنگ نوشته‌های بسیاری از عصر فراخنه به جای مانده است که نشانگر صید ماهیان (در آن زمان‌ها) بوده و روش انجام آن کار ... را بیان می‌کنند علاوه بر آن انسان در به‌دست آوردن آن (منظور صید ماهیان است) با سختی مواجه نبوده است!

حرفه ماهیگیری برای بسیاری از مردم به نوعی ورزش تبدیل شده است به طوری که میلیون‌ها نفر از مردم آن را انجام می‌دهند.

برخی از مردم هنگامی که به مناطقی که امکان ماهیگیری در آن‌ها وجود دارد می‌روند، اقدام به این کار می‌کنند، اما با وسایل و ابزارهای ساده، به مرور زمان روش‌های صید ماهیان دگرگون و تغییر یافته و راه‌های به کار گرفته شده متعدد و گوناگون شده است.

۱۱- نقش‌ها و حکاکی‌های به جامانده بر سنگ‌ها بیانگر این است معنی گزینه (۳): مرور زمان باعث تغییر در چگونگی صید ماهیان شده است.

۱۲- (در گذشته‌های دور ماهیگیری برای تفریح نبوده است)، برای همین گزینه (۲) نمی‌تواند درست باشد.

۱۳- معنی سؤال: زمان گذشت و به مردم یاد داد که معنی گزینه (۴) که نادرست است: گوشت ماهیان در هر زمانی بهترین منبع غذایی آنان است.

پاسخ تشریحی آزمون ۶۳

۱- با توجه به جَعَلْنَاهُمْ (= قرار دادیم شما را) و لَتَعَارَفُوا (= تا با یکدیگر آشنا شوید یا آشنایی یابید) به گزینه (۱) می‌رسیم.

۲- با توجه به (مَنْ) شرطی به کار رفته در اول عبارت از بین گزینه‌های (۲) یا (۴) یکی را انتخاب می‌کنیم که گزینه (۲) به خاطر (می‌خواهد) و عدم ترجمه ضمیر (ه) حذف می‌گردد.

۳- با توجه به كُنَّا خَاطِئِينَ (كان + اسم) در ترجمه باید از مشتقات (بود) استفاده کنیم بنابراین از بین گزینه‌های (۱) و (۲) یکی را انتخاب می‌کنیم و با توجه به فعل مضارع (أَنْ نَعْتَذِرَ) گزینه (۱) را حذف می‌کنیم.

۱- فهمیدن خود سؤال بسیار سخت بود!

۲- لطفاً نگران نشوید، مبحث منادا از مباحث مربوط به عربی اختصاصی انسانی است و فقط مختص آن گروه می‌باشد.

پاسخ تشریحی آزمون ۶۴

۱- ۱ با توجه به (کلمة سواء: سخنی یکسان) و (بیننا و بینکم: بین ما و شما) به گزینه (۱) می‌رسیم.

۲- ۲ تحترم: احترام بگذاریم / مع الْمُعْتَقِدِينَ بها: با معتقدین به آن‌ها

۳- ۴ با توجه به ضمیر متصل به (تحمل)، گزینه (۴) را که به صورت (تحملش) آمده، انتخاب می‌کنیم.

۴- ۴ با توجه به فعل (لا تَجِد: نمی‌یابیم) از بین گزینه‌های (۳) یا (۴) یکی را انتخاب می‌کنیم که گزینه (۳) به خاطر ترجمه نشدن کلمه (عمیقاً) و ... نمی‌تواند درست باشد.

۵- ۳ کلمه (فکر) در گزینه‌های (۱) و (۲) ترجمه نشده است و در گزینه (۴)، (نمی‌توانند) و (جدا کنند) نادرست هستند. در ضمن در این گزینه، کلمات ما (آنچه) و مَنْ (آنان که، کسانی که) نیز ترجمه نشده‌اند.

۶- ۳ کلمه (إجتهداً) مفعول مطلق تأکیدی است و باید به صورت (حتماً، بدون شک، مسلماً و ...) ترجمه شود و این حالت فقط در گزینه (۳) دیده می‌شود.

۷- ۱ طَوَّبُو لِمَنْ... خوشا به حال کسی که ... / حَتَّى لَا يَخَافُ: تا از او نترسد / يُقْبِلُونَ عليه: به او روی آورند.

۸- ۴ موارد نادرست در بقیه گزینه‌ها:
گزینه (۱): مدت، ساعتی از عبادت / گزینه (۲): فعل لا يَقِفُ (بیرون نمی‌کند) را با فعل لا يَقِفُ (توقف نمی‌کند) اشتباه نگیرید. / گزینه (۳): ضمیر (ها) در (اطمئنانها) ترجمه نشده است.

۹- ۳ فعل (تَوَجَّل) از (أَجَلَ - يُؤَجِّل - تأجیل) آمده است و به معنی (تاخیر بیندازیم) می‌باشد.

۱۰- ۱ با توجه به فعل (افزود) که ماضی است، از بین گزینه‌های (۱) یا (۴) یکی را انتخاب می‌کنیم. در گزینه (۴)، (أعلم من = عالم‌تر از ...) نادرست است. ترجمه متن:

اولین گام برای ایجاد تحوّل در زندگی اهمیت دادن به کارهای مهم و توجه به آن‌هاست. از نمونه‌های این کارها می‌توان به شناخت آرزوها و رویاها و همچنین اهدافی که برای زندگی خود در نظر گرفتیم و سعی در تحقق آن‌هاست، اشاره کرد و باید بدانید که برای دستیابی به خوشبختی و کامیابی نیاز به توجه به مسائل اخلاقی و ارتقای اخلاقی و همچنین سلامتی و تندرستی است.

تندرستی همیشه برقرار نیست زیرا بدن دچار تغییرات گوناگون می‌شود و همچنین با گذشت روزگار از نظر روحی و عاطفی تغییر می‌کند.

از توصیه مهم در این زمینه توجه به تغذیه و پرورش هم‌زمان بدن و ذهن (فکر) است برای به وجود آوردن زندگی معتدل و هماهنگ با تغییرات جسمی که با گذشت زمان (بر ما) عارض می‌شود و قابل ذکر است که انجام تمرین ورزشی خوب (= ورزش کردن) به شخص کمک می‌کند که از نظر جسمی و فکری بهتر و خوشبخت‌تر باشد.

۱۱- ۴ معنی گزینه (۴): (هر کس بتواند بین امور مهم و غیر مهم تفاوت قائل بشود گام اول برای به دست آوردن خوشبختی و زندگی سعادت‌مند را برداشته است).

۱۴- ۲ در متن اشاره به راه‌های گوناگون صید در زمان‌های گذشته نشده است.

۱۵- ۱ موارد نادرست در بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۲): فاعله محذوف (مخصوص فعل‌های مجهول است). / گزینه (۳): علی وزن إنفعال / گزینه (۴): له ثلاثة حروف زائدة «يَشْتَغِل» بر وزن «يفتعل» و ماضی آن (افتعل) می‌باشد و دو حرف زائد دارد نه سه حرف.

۱۶- ۱ (تَشَكَّل) مضارع معلوم از باب تفعلیل است (ماضی آن = شَكَّل) و در این عبارت بر مفرد مؤنث غائب (= للغائبة) دلالت دارد.

۱۷- ۱ با توجه به عبارت (... أَهَمُّ المصادر...) به این نتیجه می‌رسیم که (المصادر) مضاف‌الیه است برای کلمه (أهم). (مصادر) جمع مکسر کلمه مصدر (بر وزن مَفْعَل) و اسم مکان است.

۱۸- ۴ الْخَائِقَةُ ← الْخَائِقَةُ (اسم فاعل مؤنث)

۱۹- ۲ معنی لغات به کار رفته در این سؤال:

گزینه (۱): الْعَمَلَاء (جمع کلمه عمیل): دست‌نشانده‌ها، مزدوران / گزینه (۲): الْحَنِيف: یکتاپرست، خداپرست / گزینه (۳): الْبُحَيْرَةُ: دریاچه و از دریا کوچک‌تر است. / گزینه (۴): روز پنجشنبه: روز ششم هستند و بعد از آن جمعه می‌آید.

۲۰- ۲ الجائزة الذهبية: مدال طلا / الفائز الأول: برنده اول
صفت

۲۱- ۲ دقت کنید که در این سؤال گزینه‌ای خواسته شده که هم (اسم مکان) و هم (اسم تفضیل) در آن به کار رفته باشد که این حالت فقط در گزینه (۲) (مکتبه: اسم مکان / اکابر (مفرد آن = اکبر): اسم تفضیل) آمده است.

۲۲- ۳ (يَتَمَنَّى) نون وقایه ندارد و (نون) به کار رفته در آن جزء حروف اصلی خود فعل می‌باشد (يَتَمَنَّى: م ن ی). اما در بقیه گزینه‌ها، أفعال (يُساعدني، أعني^۱ (أعن + ن + ي) و أعاني) با نون وقایه آمده‌اند.

۲۳- ۳ این سؤال بسیار جالب است زیرا یک مسئله ریاضی را به زبان عربی مطرح کرده است: (من و یازده نفر از هم‌کلاسی‌هایم در ساعت هفت به کتابخانه رفتیم، دو نفر از ما برگشتند اما (بقیه) به مدت پنج ساعت در آنجا ماندیم، هنگام بازگشت چند نفر بودیم و ساعت چند بود؟)

پاسخ: ده نفر و ساعت ۱۲ بود.

یادآوری: برای بیان ساعت از اعداد ترتیبی مُؤنث استفاده می‌کنیم^۲ یعنی آن‌ها را با (ال) می‌آوریم برای همین گزینه (۱) نمی‌تواند درست باشد.

۲۴- ۲ در گزینه (۲)، جمله (هي تحمل) که بعد از واو حالیه آمده، جمله حالیه می‌باشد. دقت کنید که در گزینه (۳)، جمله (تحمل ...) چون مستقیماً بعد از اسم موصول (التي) آمده، جمله صله است و در گزینه (۴)، جمله (تحمل ...) چون به اسم نکره (شجرة) برمی‌گردد، جمله وصفیه است.

۲۵- ۳ در گزینه (۳)، جمله قبل از (إلا) مثبت است نه منفی و به هیچ وجه نمی‌تواند بر (خَصْر) دلالت کند.

۱- «أعني» فعل امر از (أعان - يُعين) و به معنی (کمک کن به من) می‌باشد.

۲- اما برای بیان دقیقه‌ها مثلاً پنج دقیقه و یا ده دقیقه از اعداد معمولی استفاده می‌کنیم نه ترتیبی و می‌گوییم: خمس دقائق، عشر دقائق و ...

پاسخ تشریحی آزمون ۶۵

۱- ۱ «رسولاً» اول، نکره است و عَصَى فرعون به معنی (فرعون نافرمانی کرد) می‌باشد. دقت کنید (ال) به کار رفته در (الرسول) چون این کلمه در همان عبارت بدون (ال) آمده، به صورت (این) یا (آن) معنی می‌شود.

۲- ۴ با توجه به دو فعل مضارع (يَتَعَلَّمُ: یاد بگیرد) و (يَقْذِفُ: پرتاب کند) به گزینه (۴) می‌رسیم، در ضمن (لا) در (لا فَرَحَ ...) لای نفی جنس است و به صورت (هیچ ... نیست) معنی می‌شود.

۳- ۱ با توجه به فعل (قَدْ سَاعَدْتُ) که معادل ماضی نقلی در فارسی است، از بین گزینه‌های (۱) و (۳) یکی را انتخاب می‌کنیم. گزینه (۳) به خاطر (حيوانات و پرندگان صحرایی) و همچنین (پیدایش) نمی‌تواند درست باشد.

۴- ۲ با توجه به فعل‌های لیسْتُ (نیست)، يَذْرُكُ (درک کند) و يَنْفَعُهُ (به او سود می‌رساند) ... فقط گزینه (۲) می‌تواند درست باشد.

۵- ۱ با توجه به (حتى لا نُوَاجِهَ: تا مواجهه نشویم)، گزینه‌های (۳) و (۴) حذف می‌شوند و در گزینه (۲)، نَقْتَصِدُ (صرفه‌جویی کنیم) به صورت فعل ترجمه نشده است.

۶- ۴ (تأثيراً) مفعول مطلق نوعی است (جمله بعد از آن = جمله وصفیه) و بنابراین هنگام ترجمه باید بگوییم (بگونه‌ای تأثیر می‌گذارد که ...) و این حالت در گزینه‌های (۱) و (۴) دیده می‌شود که گزینه (۱) به خاطر «بسیار» و ... نمی‌تواند درست باشد.

۷- ۱ صديقتي المجددة: دوست تلاشگر من / لا تُسَجَّلُ: ثبت نمی‌کند.

۸- ۴ موارد نادرست در بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): قد يَذْكُر (قد + مضارع) ← شاید یا گاهی ... / گزینه (۲): (لا يَتَرَدَّد) مضارع است و باید به صورت مضارع ترجمه شود نه ماضی. / گزینه (۳): (كانوا يُعَامِلُون) معادل ماضی استمراری در فارسی است و باید به صورت (رفتار می‌کردند) ترجمه گردد.

۹- ۳ (إقدام) به معنی (اقدام کردن) می‌باشد نه (قدم‌ها).

۱۰- ۲ (فرو می‌ریزد) مضارع است بنابراین از بین گزینه‌های (۲) و (۳) یکی را انتخاب می‌کنیم. در گزینه (۳)، کلمه (الغيوم) جمع است و به معنی (ابرها) و به همین دلیل حذف می‌گردد.

ترجمه متن:

بسیاری از تحقیقات بر این موضوع تأکید دارند که انجام منظم تمرین ورزشی بر افزایش توانایی و قدرت مغز و فعالیت آن تأثیر می‌گذارد همچنین بر رشد و نمو سلول‌های عصبی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر تأثیر می‌گذارد، کاری که (یعنی همان ورزش کردن) باعث می‌شود انسان بیشتر به آن توجه کند و اهمیت بدهد. برای اینکه در ارتقا و بالا بردن توانایی‌های مغز و جلوگیری از ضعف و کاهلی آن مؤثر است.

مغز برای ادامه فعالیت‌ها و رشدش نیاز به مواد غذایی دارد. مغز ۲۰٪ از مواد غذایی که وارد بدن می‌شود را مصرف می‌کند (به خود اختصاص می‌دهد) و از مهم‌ترین این مواد که در بهبود عمل مغز مؤثر هستند میوه‌ها و سبزیجات و غذاهای سرشار از امگا ۳ می‌باشند. اما نباید فراموش کنیم که کلید (رشد خوب مغز) وجود فکر و اندیشه سالم و دوری از وسوسه‌های شیطانی است!

۱۲- ۲ سؤال پرسیده که برای رسیدن به تعادل و توازن چگونه عمل کنیم (چه چیزهایی را تغییر بدهیم)؟ معنی گزینه (۲) که نادرست می‌باشد: (خود با تغییر کردن در برابر کارها و رویدادها و اشیاء)

۱۳- ۱ معنی سؤال: چه چیزی برای دستیابی به زندگی خوشبخت به ما کمک می‌کند؟

پاسخ: (توجه به امور اخلاقی و مسائل مربوط به سلامت و تندرستی) ← گزینه (۱)

۱۴- ۱ الحياة السعيدة: زندگی خوشبخت

۱۵- ۲ (يَتَعَرَّضُ) مضارع معلوم و مفرد مُذْكَر غائب می‌باشد. در ضمن از باب تَفَعُّل (مصدر آن: تَعَرَّضُ) و در نتیجه اولین صیغه ماضی آن دو حرف زائد (= له حرفان زائدان) دارد.

۱۶- ۱ (تُسَاعِدُ) مُؤنث از يُسَاعِدُ (يُفَاعِل) می‌باشد و متعلق به باب «مُفَاعَلَة» و سه حرف اصلی آن (س ع د) است. اولین صیغه ماضی آن یک حرف زائد دارد.

۱۷- ۱ (أول) چون در آغاز جمله آمده، مبتدا است و چون علامت معرفه ((ال) یا عَلم بودن) ندارد، نکره است و از اعداد ترتیبی به شمار می‌رود. ((واحد - واحدة) عدد اصلی هستند).

۱۸- ۳ تَسَاعَدُ ← تُسَاعِدُ (فَاعِل - يُفَاعِل و ...)

۱۹- ۳ معنی عبارت: هوا را لطیف (مناسب) می‌کند و در روزهای گرم از آن استفاده می‌کنیم ← مَكْتِفُ الهواء (دستگاه تهویه مطبوع = اسپلیت)

۲۰- ۲ معنی گزینه (۲) که نادرست می‌باشد: مؤمن هنگام مصیبت و بلا فقط کمی صبر و بردباری دارد!

۲۱- ۳ در گزینه (۳)، کلمه (أَحْسَن) بر فعل امر دلالت دارد و به معنی (خوبی کن) می‌باشد. اما اسم تفضیل در بقیه گزینه‌ها: (أكبر، آخرین (آخر بر وزن أفعَل و اسم تفضیل است)، أَكْرَه (ناپسندترین))

۲۲- ۴ در گزینه (۴)، لَمْ تُعِينُونِي نون وقایه دارد: (لَمْ + تُعِينُون + نون وقایه + ي) اما در بقیه گزینه‌ها، (نون) به کار رفته در فعل‌ها جزء حروف اصلی خود فعل است (أَتَمَّنِي (م ن ی)، لَا تَحْزَنِي (ح ز ن)، تُعَيِّنِي (عَیِّن، يُعَيِّن، یعنی حروف اصلی آن = ع ی ن)).

۲۳- ۲ دقت کنید که معنی این مسئله مورد نظر این است:

من همراه خانواده‌ام در روز یکشنبه به سفر رفتیم. سفر ما سه روز طول کشید ساعت هفت برگشتیم و پنج ساعت در راه بودیم، چه ساعتی و چه روزی به خانه رسیدیم؟ ← ساعت ۱۲ روز چهارشنبه

۲۴- ۲ در گزینه (۲)، الأُمُّ الحَنُون (مادر مهربان) انجام‌دهنده کار است یعنی (فاعل) جمله ذکر شده است بنابراین فعل آن عبارت نمی‌تواند مجهول باشد.

۲۵- ۴ معنی سؤال: کدام گزینه دو نوع خبر (خبر به صورت یک اسم و خبر از نوع جمله) باهم آمده‌اند؟

پاسخ: در گزینه (۴): [خبر مفرد (= یک اسم): حیوان] خبر جمله: يُحِبُّ ...

۱۱- معنی سؤال: خطا را مشخص کنید: چه چیزی در افزایش توانایی‌های مغز مؤثر است؟
گزینه (۴): تلاش در جهت بالا بردن توانایی جسم با انجام تمرین ورزشی.

۱۲- خطا را مشخص کنید: تسریع در برقراری ارتباط بین سلول‌های عصبی ...

گزینه (۲): باعث می‌شود که انسان به صورت منظم تمرین ورزشی خود را انجام دهد.

۱۳- معنی صورت سؤال: مغز نمی‌تواند کارهای خود را به صورت درست انجام دهد مگر اینکه مصرف کند
گزینه (۱): در شبانه‌روز، خمس ($\frac{1}{5}$) یعنی ۲۰٪ از مواد غذایی که وارد بدن می‌شوند را (مصرف کند).

۱۴- معنی گزینه (۳) که نادرست می‌باشد: تأثیر فعالیت بر برگرداندن فراموشی (نسیان = فراموش کردن).

۱۵- (تَوَثَّر) فعل مضارع مفرد مؤنث غائب، معلوم و به باب تفعیل رفته است.

۱۶- (يَسْتَهْلِكُ = مصرف می‌کند) متعدی و مفعول آن، عَشْرِينَ می‌باشد. در ضمن حرکت حرف اول آن ضمه نمی‌باشد بنابراین به هیچ وجه مجهول نمی‌تواند باشد. (يَسْتَهْلِكُ) بر وزن (يَسْتَفْعِلُ) و حروف اصلی آن (هـ ل ک) می‌باشد نه (س ل ک).

۱۷- (مُمَارَسَةُ) در عبارت مورد نظر مصدر باب (مَفَاعَلَة) است و مبنی^۱ نمی‌باشد زیرا حرکت حرف آخر بر حسب موقعیت جمله تغییر می‌کند.

۱۸- در گزینه (۳) «المؤدَّبون» باید به صورت «المؤدَّبون» و کلمه (مُحْتَرَمُونَ) باید به صورت مُحْتَرَمُونَ (مورد احترام قرار گرفته‌اند) یعنی با فتحه روی ی «ر» بیاید.

۱۹- (الْلَوْحُ) یا تابلو (الْلَوْحَةُ) به معنی «تخته سیاه» یا «تابلو» می‌باشد. گزینه (۳) می‌گوید: ((تابلو) فقط در ابعاد بزرگ و ... دیده می‌شود). بنابراین نادرست است.

۲۰- الإسراء = حرکت شبانه و سفری که در شب انجام شود. به معنی بقیه گزینه‌ها^۲ دقت کنید:

گزینه (۱): الأُسْرَى: جمع (اسیر) / گزینه (۲): الأُسْرَةُ: خانواده / گزینه (۳): الأُسْرَةُ: (جمع سریر: تخت‌خواب)

۲۱- يَنْتَقِلُ بر وزن (يَفْتَعِلُ) و حروف اصلی آن، (ن ق ل) می‌باشد. اما در بقیه گزینه‌ها، (يَنْكَسِرُ، يَنْطَلِقُ، تَنْقَطِعُ)، حرف نون جزء حروف اصلی نمی‌باشد بلکه متعلق به وزن (انْفَعِل - يَنْفَعِل) می‌باشد.

۲۲- برای حل این قبیل تست‌ها ابتدا باید اسم فاعل گزینه‌های داده شده را پیدا کنیم سپس نقش هر کدام را مشخص کنیم:
گزینه (۱): الثَّمَرَةُ: صفت است برای «الأشجار». / گزینه (۲): المُوْتَوَكِّلُ: صفت است برای «الإنسان». / گزینه (۳): قَادِرُونَ (مفرد آن = قَادِر): خبر است برای التلاميذ. / گزینه (۴): المُسَافِرِينَ: مجرور به حرف جر است.

۱- (مبنی و معرب) مُخْتَصَّص عربی علوم انسانی است و از داوطلبان رشته‌های تجربی، ریاضی، هنر و یا زبان، خواسته نمی‌شود.

۲- این کلمات (به جز أُسْرَةُ: خانواده) مُخْتَصَّص عربی اختصاصی علوم انسانی هستند و دیگر داوطلبان نیازی به یادگیری آن‌ها ندارند.

۲۳- فعل لَمْ تُؤْمِنِي (آمن - يُؤْمِنُ) نون وقایه ندارد و نون قبل از (ی) جزء حروف اصلی خود فعل است. در بقیه گزینه‌ها، فعل‌های (مَنْعَنِي، أَعْطَنِي و أَعْطَانِي) دارای نون وقایه هستند.

۲۴- در گزینه (۲)، فعل (يَتَرَكُ) به صورت (ترک شود) یعنی مجهول معنی می‌شود و معنی (ترک می‌کند) نمی‌دهد.

۲۵- در گزینه (۴)، (نا) در (لَسْنَا) اسم افعال ناقصه و (فاشلین) خبر آن و به صورت منصوب با (ب) آمده است و در ادامه همان عبارت (لَا تَنَا سَاعُونَ) ضمیر به شکل درست آمده است. «(سَاعُونَ) خبر «أَنْ» و مرفوع با «واو» می‌باشد. اما در بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): (نَجَاةً) اسم إِنَّ (البته به صورت مؤخر) و باید به صورت (نَجَاةً) یعنی منصوب بیاید. / گزینه (۲): (سَامِعَاتٌ) خبر کان و باید به صورت منصوب بیاید نه مرفوع. / گزینه (۳): (مُكْرَمٌ) نیز خبر کان و باید منصوب بیاید.

پاسخ تشریحی آزمون ۶۶

۱- کلمه (ذَنْبٌ = گناه)، مفرد است بنابراین گزینه‌های (۲) و (۴) که به صورت «گناهان» یعنی به شکل جمع آمده، حذف می‌شوند و گزینه (۳) به خاطر (صبروا) و ... نادرست است.

۲- با توجه به فعل‌های (أَنْ تَسْتَفِيدَ) که به صورت مضارع التزامی معنی می‌شود)) و (وَأَجْهُوا، تَهْضُوا وإِسْتَمِرُوا) که ماضی هستند، به گزینه (۲) می‌رسیم.

۳- با توجه به أَصْدَقَاءَ (بدون داشتن ضمیر متصل) و لِتَصْبِحَ (= تا بشوی) به گزینه (۴) می‌رسیم.

۴- (لَنْ يَتَرَكَ) به صورت مستقبل منفی، معنی می‌شود و (لَا يُصَابُ) مضارع است نه ماضی.

۵- ما أجمل: چه زیباست! / نهایه (اسم است): پایان

۶- (إِنْ) اول این عبارت حالت شرطی دارد و به معنی «اگر» می‌باشد بنابراین در گزینه‌های (۱) و (۳) که به جای اگر کلمه هرگاه آمده، حذف می‌شوند. در گزینه (۴)، کلمه «بیوت» به صورت خانه‌هایمان (یعنی همراه با ضمیر متصل) ترجمه شده است و همچنین به خاطر کلمه (سرعت)، نمی‌تواند درست باشد.

۷- به خاطر فعل‌های قد دَخَلَ (وارد شده است) و قد أَصْبَحْتَ (شده‌اند) گزینه‌های دیگر حذف می‌شوند.

۸- در گزینه (۲)، کلمه إِمَّا (مسلماً، تنها) معنی نشده است.

۹- در گزینه (۱)، ترکیب (الْجَهْلُ مُصِيبَةٌ)، باید به صورت (جهل مصیبتی است ... معنی شود نه (مصیبت جهل ...))!

۱۰- با توجه به «سنگین‌تر» که حالت تفضیلی دارد، از بین گزینه‌های (۱) و (۴) یکی را انتخاب می‌کنیم. در گزینه (۱)، چیزی (که نکره است) به صورت (الشيء) یعنی با (ال) آمده و به همین دلیل حذف می‌گردد. ترجمه متن:

هنگامی که انسان اقدام به انتخاب درست می‌کند و از حوادث زندگی‌اش بهره‌برد و از آن‌ها تجربه بگیرد و این باعث فکر کردن به خطاهایی که در آن‌ها افتاده و تلاش‌هایی که برای بیرون آمدن از آن‌ها کرده است، می‌شود. عاقل از آن‌ها درس‌هایی (یاد) می‌گیرد که منع می‌کند او را از دوستی با کسانی که فرهیخته و راستگو نیستند.

۲۲- ۳ به جز گزینه (۳)، در بقیه گزینه‌ها حرف ناصبه (ألا تقرّبوا = آن + لا + تقرّبون، آن تکنونوا، لیتعلموا) داریم و در نتیجه فعل بعد از آن‌ها به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود. در گزینه (۳)، فعل «لا تقرّبوا» نهی است و به صورت (نزدیک نشوید) معنی می‌شود.

۲۳- ۳ در گزینه (۳) نون وقایه داریم: (تُرشد + نون + ی). اما در بقیه گزینه‌ها، فعل‌های (تُحسِن، تَبْنِی و تَوْمِنِ) نون وقایه ندارند و نون به کار رفته در آن‌ها جزء حروف اصلی خود فعل می‌باشد.

۲۴- ۴ معنی مسئله: در تیم ما ۱۱ بازیکن بودند، بازی ما دو ساعت طول کشید بعد از ۲۰ دقیقه، دو بازیکن از بازی بیرون آمدند < ۹ بازیکن برای یک ساعت و ۴۰ (أربعین) دقیقه بازی را ادامه دادند.

۲۵- ۴ در گزینه (۴) جواب شرط به صورت جمله اسمیه (فهو قليل ...) آمده است در حالی که در بقیه گزینه‌ها به صورت فعل آمده است نه جمله.

پاسخ تشریحی آزمون ۶۷

۱- ۴ أَخْرَجَ: خارج کرد، خارج ساخت / مِنَ الثَّمَرَاتِ: از ثمره‌ها، از میوه‌ها / رَزَقًا (نکره است): رزقی را

۲- ۱ این تست از نظر من غلط است!!! زیرا (مستقبل) با حرکت (ع) آخر آن حالت فاعلی دارد بنابراین گزینه (۳) که به صورت مفعولی یعنی (آینده خود را ...) آمده، نمی‌تواند درست باشد. گزینه (۲) هم به خاطر (گذشته‌ها) که به صورت جمع آمده و همچنین کلمه (چیزها) و فعل (رخ داده بود) حذف می‌گردد، گزینه (۴) هم که در آن (تباه ساختن) که به جای فعل به صورت مصدر آمده و فعل مضارع (واقع می‌شود) و ... نمی‌تواند درست باشد. اما گزینه (۱) نیز خالی از اشکال نیست زیرا (حتی لا يُضَيِّع) به باب تفعیل رفته و به معنی (تباه نکند) یا (تباه نسازد) می‌باشد و نباید به صورت فعل لازم یعنی تباه نشود ترجمه گردد.

۳- ۳ عبارت عربی این سؤال اشکال دارد!!! زیرا (هُنَاک لَا إِنْسَانٌ ...) غلط است و خود (لا انسان) با توجه به لای نفی جنس به کار رفته در آن به معنی (هیچ انسانی ...) نیست، وجود ندارد! اما با توجه به گزینه‌های دیگر و اشتباهات موجود در آن‌ها گزینه (۳) را انتخاب می‌کنیم. گزینه‌های (۲) و (۴) به خاطر (هیچ‌گاه) که در عبارت مورد نظر وجود ندارد و گزینه (۱) هم به خاطر فعل مستقبل (شکست خواهد خورد) و ... نمی‌توانند درست باشند.

۴- ۲ با توجه به فعل (کان ... یُمِضِی) که معادل ماضی استمراری در فارسی است، از بین گزینه‌های (۲) یا (۴) یکی را انتخاب می‌کنیم. گزینه (۴) به خاطر (سختش) که با ضمیر آمده و (حتی یک لحظه) و فعل (دور نمی‌شود) نادرست است.

یادآوری مهم: در این عبارت کان اول جمله روی فعل وسط جمله یعنی (لا یبتعد) نیز اثر می‌کند و به عبارت ساده‌تر در این عبارت دو فعل ماضی استمراری داریم.

۵- ۴ با توجه به جمله حالیه (هو حَجَلٌ مِنْ تَأَخَّرَ) به نظر می‌رسد گزینه (۴) درست‌تر از بقیه گزینه‌ها است. دقت کنید کاذباً (کاذب) = کاذب + فعل مضارع به صورت (نزدیک بود شروع کند) یا (داشت شروع می‌کرد) معنی می‌شود.

۱- طراح یا طراحان محترم آزمون عربی رشته زبان غیر از این سؤال چندین اشتباه فاحش دیگر نیز مرتکب شده‌اند، که از آنها توقعی نداریم!!!

انسان باید بداند که در اوقات خوشی و شادی به دست آوردن دوستان گوناگون آسان است و این اوضاع، دوستی‌ها و ایجاد روابط را آسان می‌کند، اما ما را با دوست واقعی که بتوان به آن اعتماد کرد آشنا نمی‌کنند. همانا کسانی که در سختی‌ها کنار دوستانشان می‌ایستند (می‌مانند)، با وفا به شمار می‌روند و می‌توان آن‌ها را به عنوان شریک و یار در زندگی خود برگزید.

۱۱- ۱ یکی از راه‌های کشف و پیدا کردن دوستان واقعی ... گذشته (و حوادث آن) را عبرتی برای آینده قرار بدهیم.

۱۲- ۱ معنی سؤال: چه چیزی دور می‌کند ما را از دوستان بد؟ کدام کدام است.

معنی گزینه (۱): (دقت و سعی در آنچه مردمان انجام می‌دهند و پیگیری آن در زندگی‌مان). بنابراین گزینه (۱) نادرست است زیرا کار اشاره شده در گزینه (۱) ما را از دوستان بد، دور نمی‌کند.

۱۳- ۲ از پاراگراف اول متن به این نتیجه می‌رسیم که آدم عاقل باید از تجربه‌ها یاد بگیرد و از یک حادثه و رویداد دوبار گزند و زیان نبیند < گزینه (۲)

۱۴- ۲ از پاراگراف دوم متن نتیجه می‌گیریم دوستان خوب هنگام سختی‌ها شناخته می‌شوند و این یعنی گزینه (۲). اما در گزینه‌های دیگر: گزینه (۱): شخص آینده دوست خویش است (یعنی خطاها و اشتباهات را به او گوشزد می‌کند) < در متن اشاره‌ای به این موضوع نشده است. / گزینه (۳): این گزینه معادل این ضرب‌المثل معروف در فارسی است که (کبوتر با کبوتر، باز با باز) یعنی باید بین دو نفر تشابه وجود داشته باشد. / گزینه (۴): اشاره به رازداری و امانتداری می‌کند.

۱۵- ۱ موارد نادرست در بقیه گزینه‌ها: گزینه (۲): ... انفعال / گزینه (۳): له حرفان اصلیان، یعنی دو حرف اصلی دارد در حالی که (اکتسب) سه حرف اصلی (ک س ب) دارد. / گزینه (۴): فاعله تجارب (تجارب مفعول است نه فاعل).

۱۶- ۴ (يُفَكِّرُ) مضارع معلوم از باب تفعیل است، یعنی به باب رفته است و در نتیجه حرف زائد دارد (فَكَر = یک حرف زائد دارد، ... یا تکرار حرف دوم)

۱۷- ۲ (الاعتماد) چون مستقیماً بعد از فعل آمده، نمی‌تواند مضاف‌الیه باشد (حذف گزینه (۱)). (الاعتماد، (ال) دارد و معرفه است (حذف گزینه (۳)) و از نظر نقش فاعل است نه مفعول (حذف گزینه (۴)).

۱۸- ۳ شکل درست گزینه (۳): ... أَنْ يَتَعَايَشُوا تَعَايُشاً ... (يَتَعَايَشُ) مضارع باب تفاعل و یک حرف ما قبل آخر آن فتحه است و در مصدر حرکت یک حرف ما قبل آخر (ع) است.

۱۹- ۲ معنی سؤال: (دانش آموز بعد از خوردن نهار خود (= غذاء) خانه را ترک و به مدرسه می‌رود) یعنی دانش آموز در نوبت عصر (عصرگاهی) = (مساء) درس می‌خواند.

توجه: غذاء (غذای نهار) با غذاء (معادل غذا در فارسی) اشتباه نشود.

۲۰- ۴ «جَزَارَة» یعنی تراکتور و معنی گزینه (۴) نادرست می‌باشد: تراکتور خود را در زمین‌های کشاورزی می‌کشد.

۲۱- ۳ (أَهْدَى) در گزینه (۳) بر فعل دلالت دارد و به معنی (هدیه داد) می‌باشد اما در بقیه گزینه‌ها، اسم تفضیل و به معنی (هدایت‌ترین) یا (هدایت شده‌تر) می‌باشد.

۶- ۴- اُخْتِي الصُّغْرَى: خواهر کوچک‌ترم / (المُتَحَف) مفرد است و به صورت (موزه) ترجمه می‌شود نه (موزه‌ها) و ...

۷- ۱- با توجه به (واو) به کار رفته در سؤال مورد نظر از بین گزینه‌های (۱) یا (۴) یکی را انتخاب می‌کنیم. گزینه (۴) به خاطر (رفتار کنید) که به صورت جمع آمده و فعل (رفتار شود) نمی‌تواند درست باشد.

۸- ۳- موارد نادرست در بقیه گزینه‌ها:
گزینه (۱): لَتَقْدُمْنَا: برای پیشرفت خود / گزینه (۲): (يُشَجِّع) مجهول است و باید به صورت «تشویق شوند» ترجمه گردد. / گزینه (۴): أعمال الآخرين: کارهای دیگران

۹- ۳- مهم‌ترین موارد نادرست در بقیه گزینه‌ها:
گزینه (۱): (كَلَامُهُ) باید با ضمیر ترجمه گردد ← کلام او ... / گزینه (۲): (لَا تَقْدِرُ) ترجمه نشده است. / گزینه (۴): (طَلَبَ) مجهول است و باید به صورت (خواسته شد) ترجمه شود.

۱۰- ۲- در سؤال مورد نظر کلمه (کتابی) نکره است و باید به صورت (کتاباً) ترجمه گردد بنابراین از بین گزینه‌های (۱) یا (۳) یکی را انتخاب می‌کنیم. در گزینه (۳)، کلمه (آن را) ترجمه نشده است.
ممکن است پرسید که در عبارت فارسی سؤال مورد نظر فعل (دیده بودم) یعنی ماضی بعید وجود دارد، در حالی که (قد رأيتُه) چنین نیست؟ که در پاسخ باید گفت (قد رأيتُه) چون بعد از فعل ماضی (اشتریت) آمده، به صورت ماضی بعید فارسی ترجمه می‌شود و هیچ اشکالی ندارد.
ترجمه متن:

علم و دانش. امور و چیزهای مختلفی را در انسان زنده می‌کند و می‌پروراند از جمله آن‌ها احساس اعتماد به نفس و کسی که را (یعنی علم را) رفیق و یار خویش در زندگی قرار دهد درمی‌یابد که نباید نسبت به آنچه پیرامونش اتفاق می‌افتد بی‌خبر باشد بلکه سعی می‌کند به هدف و منظوری برسد که خود آن را تعیین می‌کند. با نگاهی به زندگی علماء (و بزرگان) درمی‌یابیم که آنان فقط به فکر خود نبودند و برای اینکه در زندگی هدف و غایت والایی می‌دیدند و سعی می‌کردند به آن دست یابند و دیگران را (نیز) به آن دعوت کنند.
علم و دانش پیرامون کسانی که از آن پیروی می‌کنند حصار و سپری می‌سازد و آن‌ها را از ارتکاب جرم باز می‌دارد و از آن‌ها در مقابل تبعیت و پیروی نادرست و ناروا محافظت می‌کند.

اما نباید بیش از ظرفیت علم و پیش از اندازه به آن اعتماد کنیم، (با وجود اینکه) علم راه‌های پیشرفت جامعه و شکوفایی و ارتقای کامل و آینده درخشانی برای آن رقم می‌زند، را فراهم می‌کند اما علم به تنهایی نمی‌تواند چنین آرمان‌های زیبایی را تحقق ببخشد بلکه نیازمند رفیق و همراه دیگری است به نام «ایمان».

۱۱- ۴- معنی سؤال: چرا غفلت قرین علم و دانش نمی‌شود؟ زیرا
گزینه (۴): انتخاب و در نظر گرفتن هدف و مقصد (والا) مانع این کار می‌شود.

۱۲- ۲- اعتماد بیش از حد به علم و اتکا بیش از ظرفیت به آن، خطرناک است.

۱۳- ۳- معنی سؤال: با چه چیزی (بِمَاذَا = بَمَاذَا) آینده درخشانی را برای بچه‌های خود رقم می‌زنیم؟ خطا را مشخص کنید: علمی که
معنی گزینه (۳) نادرست است: (علمی که) یار و همراه دیگری (یعنی ایمان) نداشته باشد و خود علم به تنهایی ضامن و عامل پیشرفت است.

۱۴- ۳- علم به تنهایی نمی‌تواند تو را به مقصد برساند، برای همین گزینه (۳) نادرست است.

۱۵- ۲- در گزینه (۲)، معنی و مفهوم (حروفه کلّها اصلیه) برابر است با (همه حروف آن اصلی است) یعنی حروف زائد ندارد و به عبارت ساده‌تر «ثلاثی مجرد» است نه ثلاثی مزید. ضمیر (ها) هرگز فاعل واقع نمی‌شود و اگر به فعل متصل شود، (مفعول به) است نه (فاعل).
متصل شود، (مفعول به) است نه (فاعل).

۱۶- ۱- (يُحَافِظُ) مضارع معلوم از باب مفاعلة (مُحَافَظَة) و اولین صیغه ماضی آن یک حرف زائد یا اضافه دارد.

۱۷- ۱- (شامل) بر وزن (فاعل) و اسم فاعلی است که به باب نرفته است (چون با «م» شروع نشده است).

۱۸- ۱- عَابِد ← عَابِد (فاعل)

۱۹- ۳- السَّائِح (جهانگرد) / معنی گزینه (۳) که نادرست است:
(کسی است که با دیدار از آثار تاریخی، مردم را خوشحال می‌کند). البته به نظر من گزینه (۲) نیز خالی از اشکال نیست زیرا (مُتَفَرِّج) به معنی «تماشاگر» است نه تشویق کننده یک تیم در مسابقه!!

۲۰- ۲- روزهای هفته هفت روز هستند و روز وسط هفته سه‌شنبه (ثلاثاء) است.

۲۱- ۳- در گزینه (۳)، (أَحْسَنَ) اول فعل ماضی و (أَحْسِنَ) دوم فعل امر می‌باشد و هیچ کدام اسم تفضیل نیستند. معنی گزینه (۳): هر کس به تو خوبی کرد، به او خوبی کن و این کار خوبی است.

۲۲- ۴- (ن) در (أَنْقَذْنِي) نون وقایه است اما در گزینه‌های دیگر، نون قبل از (ی) در فعل‌های (يَبْنِي، تَبْنِي و تَتَمَتَّى) جزء حروف اصلی خود فعل هستند.

۲۳- ۱- (ما) در گزینه‌های (۲) و (۴) مستقیماً بعد از فعل آمده، بنابراین نمی‌تواند مضاف‌الیه باشد. در گزینه (۳) نیز مستقیماً بعد از اسم (ال) دار آمده و به هیچ وجه نمی‌تواند مضاف‌الیه باشد.
معنی گزینه (۱): (عظیمی‌ترین چیز در زندگی این است که عقل جوان بماند)

۲۴- ۴- در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) جواب شرط نداریم، چرا که فعل بعد از (حتی) نمی‌تواند جواب شرط باشد (ردّ گزینه‌های (۱) و (۴)) و در گزینه (۲) غیر از فعل بعد از (ما) فعل دیگر یا (جمله‌ای) نیامده است تا جواب شرط واقع شود. در گزینه (۴)، جمله اسمیه (فَإِنْكَ تَرَى) جواب شرط و در نتیجه مای اول عبارت، مای شرط و به معنی (هر کس) می‌باشد.

۲۵- ۲- در گزینه (۲)، إِنَّ مستقیماً بعد از ویرگول آمده و جمله بعد از خود را تأکید می‌کند (همچنین قبل و بعد از آن دو جمله کامل و از نظر معنی مستقل داریم) اما در گزینه‌های دیگر اَنَّ داریم و به معنی «که» و ربط‌دهنده جمله قبل و بعد از خود می‌باشد.